

کتابچه آموزشی

دیباچه

پیش نیاز آزمون نهایی فارسی ۳

آنچه از متوسطه اول و کتاب های فارسی ۱، ۲ و ۳ آموختیم
و در امتحانات نهایی مورد پرسش قرار گرفته است

ویراست سوم

کلیه رشته ها

دهم

یازدهم

دوازدهم

دستور زبان

و سایر نکات قلمرو زبانی

+ درسنامه کاربردی

پنجره



به نام صورتگر سیرت‌ها

عزف ادبیات عمومی از کنگور سراسری به معنای عزف آن از برنامه مطالعاتی دانش‌آموزان نیست! آزمون نهایی فارسی (۳) به تدریج مفهومی‌تر شده و دقت بیشتری می‌طلبد؛ همچنین در میان دروس عمومی بالاترین ضریب تأثیر در معرل کتبی را دارد.

کتابچه‌ای که پیش روی شماست، گردآوری سؤالات دستور زبان امتحانات نهایی ادوار گذشته است؛ مباحثی که دانش‌آموزان در سال‌های هفتم، یازدهم، دوازدهم و قتی متوسطه اول خوانده‌اند.

بریهی است که صرف مطالعه این کتابچه، دانش‌آموز را از استاد و کلاس درس بی‌نیاز نمی‌کند اما امیدوارم که گردآوری این پرسش‌ها به صورت موضوعی و یک‌پا، فرآیند تدریس را برای استادان بزرگوار و یادگیری و مرور مطالب را برای دانش‌آموزان، تسهیل نماید. پیشنهاد می‌شود که دانش‌آموزان عزیز ابتدا سؤالات یک مبحث را پاسخ دهند، سپس اگر در پاسخ دادن اشکالی داشتند، درس‌نامه مربوط به آن را بتوانند.

درس‌نامه «دیباچه را کاربرد» نامیده‌ام. کاربردی برای دانش‌آموز. بریهی است که دستور زبان گسترده‌تر از آن است که در ۲۰ صفحه جمع شود اما من اعتقاد دارم دانستن بعضی از مطالب برای دانش‌آموزی که امتحان نهایی دارد، ناکارآمد است؛ بنابراین از طرح آن‌ها به کلی صرف نظر شده است!

وظیفه خود می‌دانم از استاد بزرگوارم، جناب آقای مصطفی منصف که در تدوین این کتابچه راهنمای من بودند و همواره از ایشان آموخته‌ام، تقدیر و تشکر نمایم.

دیباچه ان‌شاءالله بعد از هر نوبت امتحان نهایی به‌روزرسانی می‌شود. برای دریافت ویراست جدیدتر آن یا ارائه انتقاد و پیشنهاد با من در ارتباط باشید.

شما می‌توانید برای سهولت در استفاده از این کتابچه، آن را پرینت (A5) گرفته و از نسخه فیزیکی آن استفاده کنید.

دستور زبان فارسی

درس نامه کاربردی

اشاره: دستور زبان فارسی در یک نگاه کلی به دو بخش صرف و نحو تقسیم می‌شود. صرف مربوط به ساختمان واژه و نحو مربوط به نقش کلمات در جمله است.

بخش یکم: نحو

اجزای جمله و نقش دستوری کلمات

در نحو، جایگاه واژه در جمله بررسی می‌شود؛ بنابراین وقتی به دنبال مشخص کردن نقش دستوری کلمات هستیم، با علم نحو سر و کار داریم.

نهاد، مفعول، متمم، مسند و فعل نقش‌های اصلی جمله هستند. به گروه کلماتی که یکی از نقش‌های فوق (غیر از فعل) را می‌پذیرند، یک گروه اسمی گفته می‌شود. هر گروه اسمی ممکن است شامل یک یا چند کلمه باشد (هسته و وابسته‌ها) که در ادامه بررسی خواهد شد.

نهاد: کلمه یا گروه کلمه‌ای است که انجام کاری و یا داشتن حالتی به آن نسبت داده می‌شود. نهاد در شیوه عادی، ابتدای جمله قرار می‌گیرد.

در عباراتی که نهاد محذوف است، با شناسه فعل به آن پی می‌بریم.

* معلّم، مرغان را گویا می‌کشید. * [من] در آن اتاق کوچک و تاریک با او آشنا شدم. * نی حدیث راه پرخون می‌کند
نهاد نهاد نهاد

فعل: بخش اصلی معنای جمله و انتقال‌دهنده پیام است. فعل سه ویژگی اصلی دارد: زمان، شخص و انجام کار در دو شکل مثبت و منفی. (فعل‌های اسنادی مستثنا هستند و انجام کار در آن‌ها وجود ندارد.)

* آن‌ها تاریخ آینده بشریت را می‌سازند و آینده بشریت، آینده الهی است.

فعل فعل

مفعول: کلمه یا گروه کلمه‌ای است که در جواب «چه چیز را ...؟ چه کس را ...؟» می‌آید. مفعول در زبان فارسی معیار، معمولاً قبل از نشانه «را» قرار می‌گیرد. (همه فعل‌ها مفعول نمی‌گیرند و مفعول همیشه همراه نشانه «را» نمی‌آید.)

* مبادا امام را تنها بگذاری! * چو او را بدیدند برخاست غو * ای مرغ سحر! عشق ز پروانه بیاموز
مفعول مفعول مفعول

نکته: گاهی کل یک جمله نیز می‌تواند مفعول باشد.

* گفتم غم تو دارم، گفتم غمت سرآید / گفتم که ماه من شو، گفتم اگر برآید

مفعول ۱: غم تو دارم (برای فعل «گفتم» در مصراع اول) مفعول ۲: غم (برای فعل «دارم» در مصراع اول)

مفعول ۳: غمت سرآید (برای فعل «گفتم» در مصراع اول)

مفعول ۴: ماه من شو (برای فعل «گفتم» در مصراع دوم) مفعول ۵: اگر برآید (برای فعل «گفتم» در مصراع دوم)

متمم: کلمه یا گروه کلمه‌ای (به جز فعل) است که بعد از حروف اضافه مانند «از»، «به»، «با»، «برای»، «در»، «بر»، «بهر»، «درباره»، «بی»، «جز»، «به عنوان»، «به غیر از»، «از نظر» و... برای کامل شدن معنای جمله می‌آید.

نکته: «مثل، مانند، همانند، چون، چو، همچون، شبیه، بسان، به کردار، به منزله و...» که ادات تشبیه هستند، حروف اضافه‌اند و نقش دستوری واژه بعدشان، متمم است.

نکته: «تا» اگر پایان زمان یا مکان را نشان دهد، حرف اضافه است.

* فرود آمد از دژ به کردار شیر * ناله مرغ اسیر این همه بهر وطن است * شبی را تا شبی با لشکری خرد
متمم متمم متمم

نکته: در دستور تاریخی زبان فارسی، گاهی یک متمم همراه با دو حرف اضافه به کار می‌رفت؛ مانند:

* مهتری گر به کام شیر در است * به جمشید پر، تیره‌گون گشت روز
* چون داد عادلان به جهان در بقا نکرد * به بند کمر پر، بزد تیر چند * به سهراب پر تیرباران گرفت

در برگرداندن این عبارات، معمولاً از حرف اضافه دوم استفاده می‌کنیم و حرف اضافه اول را حذف می‌کنیم: «مهتری گر در کام شیر است» یا «چون داد عادلان در جهان بقا نکرد».

مسند: کلمه یا گروه کلمه‌ای است که در شیوه عادی، قبل از فعل اسنادی قرار می‌گیرد و ویژگی و چگونگی نهاد را بیان می‌کند.

افعال اسنادی عبارتند از: است، بود، شد و مشتقات آن‌ها؛ نظیر: می‌باشد، می‌شود و... * هنر خوار شد، جادویی ارجمند
مسند

نکته: اگر «شد» معنای «رفت» بدهد، اسنادی نیست. * دل بر دلدار رفت، جان بر جانانه شد

نکته: اگر «شد» معنای «گذشت/سپری شد» بدهد، اسنادی نیست. * شد آن زمانه که او شاعر خراسان بود

«گشت» و «گردید» و یا هر فعل دیگری اگر معنای «است، بود و شد» بدهند؛ فعل اسنادی هستند.

* نهران گشت کردار فرزانتان * چو در وقت بهار آبی پدیدار (فعل «آبی» در معنای «شوی» به کار رفته است).
مسند مسند

نکته: گاهی فعل اسنادی به صورت مخفف‌های «ام، ای، -، ایم، اید و اند» می‌آید و گاه ممکن است از کلام حذف شده باشد. * من ایرانی‌ام، آرمانم شهادت [است]

مسند مسند

نکته: بعضی از افعال غیراسنادی هم مسند می‌گیرند! (جدول صفحه بعد را ببینید) نظیر:

* نامیدن (خواندن، گفتن، صدا کردن، صدا زدن)، پنداشتن (دیدن، دانستن، یافتن)، گردانیدن (نمودن، کردن، ساختن)،
و شمردن (به شمار آوردن، به حساب آوردن).

* مردم او را قهرمان می‌پنداشتند. * مردم به او رستم می‌گفتند. * تو را جنوب نامیدم.
مسند مسند مسند

* مولانا را دیوانه و شمس را جادوگر خواندند. * سیرجان را آخر دنیا حساب می‌کردم.
مسند مسند مسند

نکته: گاهی مسند با حرف اضافه همراه می‌شود.

* این لباس از کتان است.

* می‌گفت گرفته حلقه در بر / کامروز منم چو حلقه بر در (من چو حلقه بر در هستم)

* من این‌جا چون نگهبانم، تو چون گنج [هستی] (من چون نگهبان هستم، تو چون گنج هستی)

ساختار جمله

جمله ناگذر (دوجزئی)	
نهاد + فعل	«صاد» آمد. / خورشید می درخشد.
جمله گذرا (سه جزئی)	
نهاد + مفعول + فعل	مولانا عذرشان را پذیرفت.
نهاد + مسند + فعل	دشمن، برده ماشین است.
نهاد + متمم + فعل	رضا از تاریکی می ترسد.
جمله گذرا (چهار جزئی)	
نهاد + مفعول + متمم + فعل	رضا کتاب را به علی داد.
نهاد + مفعول + مسند + فعل	برخی عاشق را دیوانه می پندارند.
نهاد + متمم + مسند + فعل	مردم به او دهقان فداکار می گفتند.
نهاد + مفعول + مفعول + فعل	مادر کودک را غذا داد.

قید یا گروه قیدی: کلمه یا ترکیب‌هایی است که مفهوم زمان، مکان، تردید، یقین، حالت، تکرار و... را به جمله می‌افزاید.
قید از نقش‌های اصلی جمله نیست و حذف آن هیچ آسیبی از نظر معنایی به جمله وارد نمی‌کند. هر جمله می‌تواند قیدهای گوناگون داشته باشد؛ قیدها جای ثابتی در جمله‌ها ندارند.

نکته: قید می‌تواند از نظر نوع (صرف) اسم، صفت یا قید باشد.

نکته: در زبان فارسی، تمام واژه‌های تنوین‌دار قید هستند. مثل: مثلاً، حتماً، لطفاً و...

* خروشان همی رفت نیزه به دست قید
 * دیروز اگر سوخت ای دوست، غم برگ و بار من و تو قید

نکته: صفت و مضاف‌الیه نقش‌های وابسته به حساب می‌آیند؛ به این معنا که می‌توانند جزئی از گروه کلماتی باشند که هر کدام از نقش‌های اصلی (نهاد، مفعول، متمم و مسند) را گرفته‌اند. این نمونه‌ها را ببینید:

* رضا خانه را می‌شوید.

مفعول

* رضا خانه قدیمی را می‌شوید. (در گروه اسمی «خانه قدیمی»، کلّ ترکیب، مفعول، «خانه» هسته گروه اسمی و «قدیمی» صفت است.)

* رضا خانه پدربزرگ را می‌شوید. (در گروه اسمی «خانه پدربزرگ»، کلّ ترکیب، مفعول، «خانه» هسته گروه اسمی و «پدربزرگ» مضاف‌الیه است.)

در بخش گروه اسمی، بیشتر با صفت و مضاف‌الیه آشنا خواهیم شد.

نقش‌های تبعی (بدل، معطوف و تکرار)

گاهی واژه از نظر نقش دستوری، پیرو گروه اسمی پیش از خود است؛ به این‌گونه نقش‌ها، «نقش‌های تبعی» می‌گوییم.

تکرار	بدل	معطوف
واژه یا واژه‌هایی در یک نقش دستوری، برای تأکید حداقل دوبار در جمله تکرار می‌شود. نکته: در کلماتی مانند «آرام‌آرام، رفته‌رفته، نهم و...» نقش تبعی تکرار وجود ندارد.	واژه یا واژه‌های قبل از خود را توضیح می‌دهد و معمولاً بین دو ویرگول قرار می‌گیرد. نکته: بدل از عبارت قابل حذف است. نکته: در بدل، فعل وجود ندارد.	واژه یا واژه‌هایی که بعد از حرف عطف «و»، «یا» و «ولی/اما» می‌آید. ممکن است به جای «و» برای پرهیز از تکرار، ویرگول به کار برود.
* مریم آمد. مریم. * بناخت ز خشم بر فلک مشت آن مشت تویی تو ای دماوند * مشو در پیچ و تاب رنج و غم گم به هر حالت تبسم کن تبسم	* مریم، خواهر زهرا، به خانه آمد. * اشکبوس، پهلوان سپاه توران به میدان می‌آید و مبارز می‌جوید. * او و مادرم، هر دو، آن‌ها را از مادر بزرگشان به یاد داشتند.	* مریم و زهرا آمدند. * نویسنده یا شاعر، تفکر آگاهی‌بخش یا انتقادی خویش را درباره دادگری، عدالت‌خواهی، بیدادگری، ستم‌ستیزی، آزادی و حق‌جویی بازگو می‌کند.

نکته: نقش‌های تبعی هیچ‌گاه واژه آغازین یک جمله نیستند.

ترتیب اجزای جمله در زبان فارسی (شیوه عادی و شیوه بلاغی)

در شیوه عادی، اصل بر این است که نهاد همه جمله‌ها در ابتدا و فعل در پایان قرار بگیرد و سایر اجزای جمله مانند متمم، مفعول و مسند در جایگاه معمول خود طبق زبان معیار واقع شوند.
گاهی در زبان ادبی، برای تأثیر بیشتر سخن به تشخیص شاعر یا نویسنده، اجزای کلام جابه‌جا می‌شود تا شیوایی و رسایی آن بیشتر شود. به این‌گونه بیان، شیوه بلاغی می‌گویند.

شیوه عادی: نهاد + + فعل (من ایرانی‌ام، آرمانم شهادت [است])
شیوه بلاغی: از ساختار بالا تبعیت نمی‌کند. (گشت یکی چشمه ز سنگی جدا / غلغله‌زن، چهره‌نما، تیزپا)
فعل نهاد

* سیاوش سیه را به تندی بتاخت / نشد تنگ‌دل، جنگ آتش بساخت
شیوه عادی شیوه بلاغی شیوه عادی

گروه اسمی (هسته و وابسته)

هسته: جزء اصلی یک گروه اسمی است که قابل حذف نیست.
نکته: هسته معمولاً اولین کلمه در گروه اسمی است که نقش‌نمای اضافه می‌گیرد: این چهار درخت انار باغ همسایه.

نکته: اگر در گروه اسمی نقش‌نمای اضافه نداشته باشیم (پایان همه کلمات ساکن باشد) آخرین واژه، هسته است: همان پنج دانش‌آموز.

نکته: گاهی گروه اسمی فقط یک کلمه دارد؛ بنابراین همان یک واژه، هسته است.

وابسته: به کلماتی که قبل یا بعد از هسته می‌آیند، وابسته می‌گویند. ممکن است یک گروه اسمی وابسته پیشین یا وابسته پسین و یا هیچ‌کدام را نداشته باشد.

وابسته‌های پیشین

وابسته پیشین	مثال	گروه اسمی
صفت اشاره	این، آن، همین، همان، چنین، چنان	این نی، همان دوست
صفت پرسشی	چه، چند، چندمین، کدام	چند کتاب؟ کدام دوست؟
صفت تعجبی	چه، عجب	چه کتابی! عجب دوستی!
صفت مبهم	هر، هیچ، همه، چند، فلان، بعضی	هر کتابی، چند کتاب
صفت شمارشی اصلی	یک، دو، سه، هزار،...	یک کتاب، بیست و یک دوست
صفت شمارشی ترتیبی نوع اول	یکمین، دومین، نخستین،...	سومین کتاب، دهمین دوست
صفت سنجشی عالی (برترین)	نیکوترین، زشت‌ترین	نیکوترین اندرز، زشت‌ترین پیراهن
شاخص	آقا، استاد، سردار، عمو، دکتر و...	آقاعلی، دکتر زرین‌کوب

شاخص: لقب‌ها و عنوان‌هایی هستند که بدون هیچ نشانه یا نقش‌نمایی در کنار اسم قرار می‌گیرند. (غالباً بی‌فاصله پیش از هسته می‌آیند.)

نکته: اگر این لقب‌ها و عناوین به تنهایی بیایند، شاخص نیستند.

نکته: اگر قبل یا بعد از این لقب‌ها و عناوین، بیاید، شاخص به حساب نمی‌آیند.

استادمعین، فرهنگ فارسی را در شش جلد تدوین کرده است. (شاخص)

ایشان، استاد زبان و ادبیات فارسی بودند. (هسته گروه اسمی است و شاخص نیست.)

کتاب استاد، دربردارنده مطالب مفیدی است. (مضاف‌الیه است و شاخص نیست.)

نکته: «چند» هم می‌تواند صفت پرسشی باشد و هم صفت مبهم. (باتوجه به لحن و علائم نگارشی)

* چند کتاب خریدی؟ * چند کتاب بخر.
صفت پرسشی صفت مبهم

نکته: «چه» می‌تواند هم صفت پرسشی باشد و هم صفت تعجبی. (باتوجه به لحن و علائم نگارشی)

* چه کتابی؟ * چه کتابی!
صفت پرسشی صفت تعجبی

نکته: همه وابسته‌های پیشین به غیر از شاخص با اسم بعد از خود، ترکیب وصفی می‌سازند.

نکته: «هیچ» اگر به تنهایی بیاید و به معنای «آیا، اصلاً و...» قید پرسشی است. * هیچ او را می‌شناسی؟

نکته: صفات اشاره و پرسشی اگر بدون موصوف بیایند، ضمیر اشاره و ضمیر پرسشی هستند و به تنهایی نقش می‌گیرند.

- این کتاب را بده. («این»، وابسته پیشین (صفت اشاره) و «کتاب»، هسته گروه اسمی است. گروه اسمی «این کتاب»، نقش مفعول دارد.)

- کدام را؟ (ضمیر پرسشی که نقش مفعول دارد.)

- این را. (ضمیر اشاره که نقش مفعول دارد.)

نکته: «چنین» و «چنان» اگر به تنهایی بیایند، صفت اشاره نیستند و قید به شمار می‌آیند. * چنان نماند و چنین نیز هم نخواهد ماند

وابسته‌های پسین

وابسته پسین	مثال	گروه اسمی
صفت شمارشی ترتیبی نوع دوم	یکم، دوم، سوم، هزارم	کتاب یازدهم
صفت سنجشی تفضیلی (برتر)	بهتر، اعلم	دانشمند اعلم
صفت مبهم	دیگر	دوست دیگر
صفت بیانی ساده (مطلق)	پاک، خوشحال، خطرناک	دوست خوشحال
صفت بیانی فاعلی	کوشا، خندان، آموزگار، نویسنده	دانش آموز کوشا
صفت بیانی مفعولی	پرورده، شکسته	صندلی شکسته
صفت بیانی لیاقت	آشامیدنی، ستودنی، دیدنی	طبیعت دیدنی
صفت بیانی نسبی	نارنجی، آهین، عقلانی، کودکانه	کفش نارنجی
مضاف‌الیه	اسم یا ضمیر	کتاب نگارش / کتاب من
شاخص	آقا، میرزا، شاه و...	عباس میرزا / ناصرالدین شاه

نکته: گاهی اوقات جای موصوف و صفت عوض می‌شود که به آن، ترکیب وصفی مقلوب می‌گویند.

ای مادر سرسپید، بشنو / این پند سیاه‌بخت فرزند (فرزند سیاه‌بخت)

ترکیب وصفی مقلوب

نکته: صفات مبهم گاهی اوقات پس از هسته می‌آیند؛ در این صورت وابسته پسین هستند.

بر وی بنواز ضربتی چند

و.پسین (صفت مبهم)

صفت: در یک گروه اسمی، واژه پس از نقش‌نمای اضافه، صفت است به شرطی که ویژگی و حالتی را در مورد موصوف بیان کند. مانند: اسم + صفت بیانی (دوست خوب)

گاهی نیز صفت می‌تواند وابسته پیشینی باشد که بدون فاصله از هسته می‌آید. مانند:

وابسته‌های پیشین (به جز شاخص) + اسم (این دوست، چند دوست، هر دوست، یک دوست و...)

مضاف‌الیه: در یک گروه اسمی، واژه پس از نقش‌نمای اضافه، مضاف‌الیه است به شرطی که اسم یا ضمیر باشد.

ترکیب اضافی: ۱. اسم + اسم (درخت باغ)

۲. اسم + ضمیر (دوست ایشان)

نکته: در ساختار «..... + _ +» نقش دستوری واژه دوم، یا صفت است یا مضاف‌الیه. (دقت داشته باشید این _ بین صفت پیشین و هسته نیامده باشد. مثل: چه شاعری! / همه شاعران.)

روش تشخیص صفت از مضاف الیه

برای تشخیص ترکیب وصفی (دوست خوب) از اضافی (دوست من) روش‌های مختلفی وجود دارد که به ذکر چند مورد بسنده می‌شود. در هر کدام از این روش‌ها، اگر ترکیب معنی داد، وصفی و اگر فاقد معنا بود، اضافی است.

۱. اضافه کردن «تر» پایان ترکیب (دوست خوب تر / دوست من تر)
۲. اضافه کردن «است» پایان ترکیب (دوست، خوب است / دوست، من است)
۳. جابه‌جا کردن دو واژه و آوردن «بودن» بین آن‌ها (خوب بودن دوست / من بودن دوست)
۴. جابه‌جا کردن دو واژه و آوردن «ترین» بین آن‌ها (خوب‌ترین دوست / من‌ترین دوست)

نکته: در کتاب‌های زبان فارسی نظام آموزشی قدیم، نشانه‌های جمع و «ی» نکره به عنوان وابسته‌های پسین معرفی شده بودند اما در نظام آموزشی جدید این‌طور نیست؛ بنابراین از ذکر آن‌ها صرف نظر شده است.

وابسته‌های وابسته

همان‌طور که خواندیم برخی از گروه‌های اسمی از هسته و وابسته تشکیل می‌شوند؛ بعضی از وابسته‌ها نیز می‌توانند وابسته‌ای داشته باشند.

نکته: بهترین راه شناخت وابسته‌های وابسته، حذف هسته گروه اسمی است. اگر با حذف آن، یک گروه جدید معنادار ساخته شد، وابسته وابسته داریم.

نکته: در این مبحث، رسم دقیق نمودار اهمیت بسیار بالایی دارد.

الف) ممیز (صفت شمارشی، صفت پرسشی و یا صفت مبهم + واحد شمارشی + اسم)

معمولاً برای شمارش تعداد یا اندازه و وزن موصوف، میان صفت شمارشی و موصوف آن، واحد شمارشی می‌آید که وابسته عدد است و ممیز نام دارد.

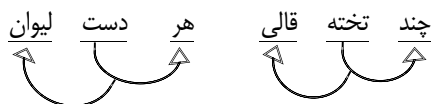
توجه: ممیز با عدد همراه خود، یک‌جا وابسته هسته می‌شود؛ نمونه:



ممیزها عبارتند از:

«ن، کیلوگرم، گرم، من، سیر و...» برای وزن؛ «فرسخ (فرسنگ)، کیلومتر، متر، سانتی‌متر، میلیمتر و...» برای طول؛ «دست» برای تعداد معینی از لباس، میز و صندلی، ظرف؛ «توپ و طاقه» برای پارچه؛ «تخته» برای فرش؛ «دستگاه» برای وسایل و لوازم الکترونیکی و همانند آنها؛ «تا» برای بسیاری از اشیا و...

نکته: ممیز علاوه بر عدد می‌تواند وابسته صفت پرسشی و صفت مبهم نیز باشد. نمونه:



نکته: ممیز محدود به واژگان مشخصی نیست و در نوشته‌های ادبی، بسیاری از واژگان می‌توانند ممیز واقع شوند. نمونه:

یک کربلا شکوه

یک چمن داغ

(ب) مضاف‌الیه مضاف‌الیه (اسم + اسم + اسم)

در برخی از گروه‌های اسمی، مضاف‌الیه، خود وابسته‌ای از نوع اسم، در نقش مضاف‌الیه می‌پذیرد؛ نمونه:

وسعت استان کرمان
هسته مضاف‌الیه مضاف‌الیه مضاف‌الیه

محوطه میدان شهر

توجه: علاوه بر اسم، «ضمیر» و «صفت جانشین اسم» نیز می‌توانند به عنوان مضاف‌الیه مضاف‌الیه به کار روند. نمونه:

قدرت قلم نویسنده

گیرایی سخن او

نمونه‌های دیگر:

داخل کازیه میز

بانک اعتبارات ایران

(پ) صفت مضاف‌الیه

در این نوع گروه اسمی، مضاف‌الیه که وابسته هسته است، به کمک یک صفت (پسین یا پیشین) توضیح داده می‌شود. این نوع از وابسته وابسته، دو ساخت دارد:

۱. اسم + اسم + صفت

چند نمونه:

یادآوری خاطره دلپذیر
هسته مضاف‌الیه صفت مضاف‌الیه

دانش‌آموز پایه دوازدهم

۲. اسم + صفت پیشین + اسم

چند نمونه:

اسیر این جهان

برنامه کدام سفر
هسته صفت مضاف‌الیه مضاف‌الیه

در مثال‌های بالا، واژه‌های «دوازدهم»، «دلپذیر»، «کدام» و «این» وابسته وابسته از نوع صفت مضاف‌الیه هستند.

اعتصاب کارگران فقیر

غرق تصورات تاریخی

نمونه‌های دیگر:

قلب آن کویر

فراز همین برچها

شاگرد حوزه ادبی

(ت) صفتِ صفت (اسم + صفت + صفت)

برخی از صفت‌ها، صفت‌های همراه خود را بیشتر معرفی می‌کنند و درباره ویژگی‌های آنها توضیح می‌دهند؛ این صفت با صفت همراه خود، یک‌جا وابسته هسته می‌شود. مانند:

رنگ سبز چمنی
هسته صفت صفتِ صفت

پیراهن آبی روشن

نکته: در مثال‌های کتاب درسی، صفت صفت به رنگ‌ها و کیفیتشان محدود شده است.

نکته: اگر هر دو صفت، اسم قبل از خود را توصیف کنند، وابسته وابسته (صفت صفت) نیستند بلکه دو

صفت برای یک اسم به حساب می‌آیند. مانند: کیف بزرگ سبز
هسته صفت صفت

«بزرگ» و «سبز» دو صفت هستند و هر دو ویژگی‌های «کیف» (اسم و هسته گروه اسمی) را بیان می‌کنند.

(ث) قید صفت

کلمه‌ای است که درباره اندازه و درجه صفت پس از خود توضیح می‌دهد. در واقع این قید بین اسم و صفت قرار می‌گیرد. مانند:

شرایط تقریباً پایدار
پاک
قید صفت صفت

دوست بسیار مهربان
هوای نسبتاً پاک
هسته قید صفت صفت

ضمایر پیوسته و مرجع ضمیر

در جمله، ضمایر پیوسته (متصل) در سه نوع نقش دستوری ظاهر می‌شوند:

الف) مفعول:

- * ای صبح‌دم، ببین که کجا می‌فرستم
- * ناگهانش یافتم با دل نشسته روبه‌رو

ب) متمم:

- * گفتمت چون در حدیثی گر توانی گوش داشت
- * که دوستان اگر دل دهند، جان ندهند

پ) مضاف‌الیه:

- * حسنت به اتفاق ملاحظت جهان گرفت
- * لاله دیدم روی زیبای توام آمد به یاد

برای مطالعه درس‌نامه کامل «مروری بر ضمائر پیوسته، نقش دستوری آن‌ها در جمله و جهش ضمیر»، اینجا کلیک کنید یا بخش پیوست این کتابچه را بخوانید.

مرجع ضمیر: کلمه‌ای که ضمیر برای پرهیز از تکرار اسم، جانشین آن شده است و به آن برمی‌گردد. مثلاً در عبارت «محمد کلاس دهم است. دوستانش او را دوست دارند.»، «ش» و «او» ضمیر و «محمد» مرجع ضمیر است.

نکته: گاهی اوقات در شعر یا نثر، ضمیر بدون مرجع به کار می‌رود زیرا مرجع آن، «خدا» یا «معشوق» است.
* گل از شوق تو خندان در بهار است / از آتش رنگ‌های بی‌شمار است

انواع حذف

به عبارت‌های زیر توجه کنید:

الف) هم‌نشین نیک بهتر از تنهایی است و تنهایی بهتر از هم‌نشین بد.

ب) آرزو گفت: «از نمایشگاه کتاب چه خبر؟»

در عبارت «الف»، فعل جمله دوم ذکر نشده است اما خواننده یا شنونده از فعل جمله اول می‌تواند به فعل محذوف جمله دوم، یعنی «است» پی ببرد. در این جمله، حذف فعل به «قرینه لفظی» صورت گرفته است.

در عبارت «ب»، جای فعل «داری» یا «دارید» در جمله دوم خالی است اما هیچ نشانه‌ای در ظاهر جمله، شنونده را به وجود فعل راهنمایی نمی‌کند. تنها از مفهوم عبارت می‌توان دریافت که فعل «داری» یا «دارید» از جمله دوم حذف شده است. در این جمله، حذف به «قرینه معنایی» صورت گرفته است.

نکته: هر یک از اجزای کلام در صورت وجود قرینه می‌تواند حذف شود اما معمولاً منظور از حذف در سؤالات، حذف فعل است.

اگر حذف به دلیل تکرار و برای پرهیز از تکرار صورت بگیرد، به آن «حذف به قرینه لفظی» می‌گویند اما اگر خواننده یا شنونده از مفهوم سخن به بخش حذف‌شده پی ببرد، «حذف به قرینه معنایی» است.

نکته: بعد از کلمات تفضیل معمولاً یک فعل اسنادی به قرینه معنایی حذف شده است.

* الهی! آن ده که آن به [است]

* ای دوست شکر بهتر [است] یا آن که شکر سازد

* هر که او بیدارتر [است] پردردتر [است] / هر که او هشیارتر [است] رخ زردتر [است]

* درد ما هر چه بیشتر [باشد] بهتر [است] / دل ما هر چه ریش‌تر [باشد] بهتر [است]

نکته: بعد از حرف قسم «به» معمولاً فعل «قسم می‌خورم» به قرینه معنایی حذف می‌شود.

* به جان زنده‌دلان [قسم می‌خورم] سعدیا که ملک وجود

نکته: بعد از هر منادا، یک فعل به قرینه معنایی حذف شده است.

* ناتانائیل [دقت کن / گوش کن یا...] من به تو شور و شوقی خواهم آموخت.

نکته: بعد از هر شبه جمله، فعلی به قرینه معنایی حذف شده است.

* کاش روزی به کام خود برسید / بچه‌ها! آرزوی من این است (۴جمله)

نکته: بعد از «به نام...» معمولاً یک حذف فعل به قرینه معنایی وجود دارد.

* به نام کردگار هفت افلاک / که پیدا کرد آدم از کفی خاک [سخنم یا شعرم را آغاز می‌کنم]

* به نام چاشنی‌بخش زبان‌ها / حلاوت‌سنج معنی در بیان‌ها [سخنم یا شعرم را آغاز می‌کنم]

نکته: در زبان معیار، حذف شناسه فعل ممکن نیست. در متون گذشته، گاه در یک جمله، شناسه به قرینه فعل قبلی حذف می‌شد. (حذف به قرینه لفظی)

* شیران غریزند و به اتفاق، آهو را از دام رهانید.

* کبوتران فرمان وی بکردند و دام برکردند و سر خویش گرفت.

واو عطف و ربط

به کاربرد حرف «و» در جمله‌های زیر توجه کنید:

الف) زندگی و سفر مانند هم هستند.

ب) در طول زندگی، سفر می‌کنیم و در سفر هم زندگی می‌کنیم.

«و» در جمله الف، دو یا چند کلمه را به هم پیوند داده است؛ به این نوع «و»، «واو عطف» می‌گویند.

«و» در جمله ب، دو جمله را به هم ربط داده است. به این «و» که معمولاً پس از فعل می‌آید و دو جمله را به هم می‌پیوندد، «نشانه ربط یا پیوند» می‌گویند.

نکته: **ویرگول می‌تواند مانند واو عطف یا ربط عمل کند.**

به جای واو عطف: نویسنده یا شاعر، تفکر آگاهی‌بخش یا انتقادی خویش را درباره دادگری، عدالت‌خواهی، بیدادگری، ستم‌ستیزی، آزادی و حق‌جویی بازگو می‌کند.

به جای واو ربط: آمدم، دیدم، رنج کشیدم و رفتم.

نکته: «و» زمانی که بعد از یک فعل بیاید، «و» ربط به شمار می‌آید.

جملات ساده و مرکب / هسته (پایه) و وابسته (پیرو) / پیوندهای هم‌پایه‌ساز و وابسته‌ساز

به جمله‌های زیر توجه کنید.

الف) خطوط دفاعی دشمن یکسره فروریخت.

ب) آن‌ها تاریخ آینده بشریت را می‌سازند و آینده بشریت، آینده الهی است.

پ) این‌ها دریدالان صف‌شکنی هستند که دل شیطان را از رعب و وحشت می‌لرزاند.

به جمله الف که یک فعل دارد، «ساده» می‌گویند.

در نمونه دوم، دو جمله به کمک حرف پیوند «و» در کنار هم قرار گرفته‌اند؛ «و» مهم‌ترین و پرکاربردترین پیوند هم‌پایه‌ساز

در زبان فارسی است؛ بدین معنا که اگر میان دو جمله بیاید، آنها را در یک ویژگی، «هم‌پایه» می‌سازد؛ مثل کارکرد آن در نمونه ب؛ همان‌طور که می‌بینید «و» دو جمله ساده را به هم پیوند داده و آنها را از نظر مستقل بودن، هم‌پایه قرار داده

است.

پیوندهای هم‌پایه‌ساز عبارتند از «و»، اما، ولی، یا، ...».

جمله «پ»، شامل دو جمله است که از نظر معنایی به یکدیگر وابسته‌اند؛ به طوری که یکی از جمله‌ها بدون دیگری ناقص است؛ به همین دلیل جمله پ را جمله «مرکب» می‌نامیم.
حرف «که» پیوند وابسته‌ساز است و جمله دوم را به جمله وابسته تبدیل کرده است.
جمله مرکب معمولاً از یک جمله پایه (هسته) و یک یا چند جمله پیرو (وابسته) تشکیل می‌شود؛ بخشی که پیوند وابسته‌ساز ندارد، «پایه» است. (جمله «پیرو» با پیوند وابسته‌ساز آغاز می‌شود).
پیوندهای وابسته‌ساز عبارتند از: «که، تا، چون، اگر، زیرا، به طوری که، هنگامی که، ...»
نکته: «چون» اگر به معنای «مثل و مانند» باشد، حرف اضافه است و حرف ربط نیست.

جمله پ را بررسی می‌کنیم:

جمله پایه (هسته): این‌ها دریادلان صف‌شکنی هستند

جمله پیرو (وابسته): که دل شیطان را از رعب و وحشت می‌لرزاند.

نکته: در جملات مرکب الزاماً این‌طور نیست که جمله پایه ابتدا بیاید و جمله پیرو پس از آن. ساخت‌های زیر برای جملات مرکب وجود دارد:

۱. جمله هسته + پیوند وابسته‌ساز + جمله وابسته

* این‌ها دریادلان صف‌شکنی هستند که دل شیطان را از رعب و وحشت می‌لرزاند.

* بوی گلم چنان مست کرد که دامنم از دست برفت.

* خجل شد چو پهنای دریا بدید

۲. پیوند وابسته‌ساز + جمله وابسته + جمله هسته

* اگر درس نخوانی، قبول نمی‌شوی.

* چون داد عادلان به جهان در بقا نکرد / بیداد عادلان شما نیز بگذرد

* هرچند مضحک است و پر از خنده‌های تلخ / بر ما هر آن چه لایقمان است می‌رود

۳. جمله مرکب بدون پیوند وابسته‌ساز

* نمی‌توانستیم هیچ حرفی بزنیم. (نمی‌توانستیم [که] هیچ حرفی بزنیم).

* نمی‌دانست در کجا ریشه بدواند. (نمی‌دانست [که] در کجا ریشه بدواند).

* مپندار این شعله افسرده گردد (مپندار [که] این شعله افسرده گردد).

۴. جمله وابسته بین جمله هسته قرار گرفته است.

* کتابی را که دوست داشتم، خریدم. (کتابی را خریدم که دوست داشتم).

نکته: اگر «که» معنای «از» بدهد، پیوند وابسته‌ساز نیست. * به تمنای گوشت مردن به که تقاضای زشت قصابان.

تعداد جملات

* گاه سفر آمد، برادر! ره دراز است / پروا مکن، بشتاب همّت چاره‌ساز است (۶جمله)

* گفتی ز ناز بیش مرنجان مرا برو / آن گفتنت که بیش مرنجانم آرزوست (۵جمله)

برای مشخص کردن تعداد جملات در یک عبارت به این موارد توجه می‌کنیم:

۱. هر فعل، نشان دهندهٔ یک جمله است. (افعال ممکن است به قرینهٔ لفظی یا معنایی حذف شده باشند).
 ۲. هر شبه جمله نیز یک جمله است.

شبه جمله به واژه‌هایی گفته می‌شود که فعل نیستند ولی می‌توانند مانند یک جمله، پیامی را منتقل کنند. شبه جمله‌ها می‌توانند برای بیان احساسات مثبت و منفی، تشویق و تحسین، تأسّف، تعجّب و هشدار به کار بروند. انواع شبه جمله: کلمهٔ فاقد معنای قاموسی که معنای یک جمله از آن دریافت می‌شود: آه، وه، هان، هین، هی، هلا و... کلمهٔ دارای معنای قاموسی که معنای یک جمله از آن دریافت می‌شود: آفرین، مرحبا، دریغا، کاش، افسوس، زینهار و...

۳. منادا نیز یک جمله به حساب می‌آید.

منادا: در زبان فارسی، نشانه‌هایی وجود دارد که با آنها کسی یا چیزی را صدا می‌زنیم؛ مانند «آی، ای، یا، ا»، به این‌ها «نشانهٔ ندا» می‌گوییم و اسمی که همراهشان می‌آید، «منادا» نام دارد؛ مانند «ای خدا!».

منادا

گاهی منادا بدون نشانه به کار می‌رود؛ در این گونه موارد باید به آهنگ خواندن جمله توجه کنیم؛

* «ناتانائیل، هر آفریده‌ای نشانهٔ خداوند است.»

منادا

نکته: گاه نشانهٔ ندا می‌آید اما منادا محذوف است؛ نمونه:

* ای [کسی که] عقل مرا کفایت از تو / جستن ز من و هدایت از تو

* ای [کسی که] کعبه به داغ ماتمت، نیلی پوش

بخش دوم: صرف

اشاره: در این بخش، برخی از مباحث صرفی را که در کتاب‌های درسی آمده، مرور می‌کنیم.

زمان افعال

بن ماضی: مصدر بدون «ن» پایانی: رفتن ← رفت بن مضارع: فعل امر بدون «ب» آغازی: برو ← رو

مثال مجهول (سوم شخص مفرد)	مثال معلوم (اول شخص مفرد)	ساخت فعل	زمان فعل
خوانده شد	خواندم	بن ماضی + شناسه	ماضی ساده
خوانده می‌شد	می‌خواندم	می + بن ماضی + شناسه	ماضی استمراری
خوانده شده بود	خوانده بودم	بن ماضی + ه + بود + شناسه	ماضی بعید
خوانده شده است	خوانده‌ام	بن ماضی + ه + ام، ای، است، ایم، اید، اند	ماضی نقلی
خوانده شده باشد	خوانده باشم	بن ماضی + ه + باش + هم، ی، د، یم، ید، ند	ماضی التزامی
داشت خوانده می‌شد	داشتم می‌خواندم	داشت + شناسه + می + بن ماضی + شناسه	ماضی مستمر

مضارع اخباری	می + بن مضارع + شناسه	می خوانم	خوانده می شود
مضارع التزامی	ب + بن مضارع + شناسه	بخوانم	خوانده بشود / شود
مضارع مستمر	دار + شناسه + می + بن مضارع + شناسه	دارم می خوانم	خوانده می شود
آینده	خواه + شناسه + بن ماضی	خواهم خواند	خوانده خواهد شد

فعل مجهول

به دو جمله زیر و تفاوت آنها توجه کنید:

الف) مریم کتاب می خواند.
ب) کتاب خوانده می شود.

فعل جمله «الف» به نهاد و فعل جمله «ب» به نهادی که قبلاً مفعول بوده است، نسبت داده شده است. فعل جمله «الف» را معلوم و فعل جمله دوم را مجهول می نامیم.

برای مجهول ساختن جمله معلوم:

الف) نهاد جمله معلوم را حذف می کنیم؛
ب) مفعول جمله معلوم را در جایگاه نهاد قرار می دهیم؛
پ) فعل اصلی جمله را به شکل «بن ماضی + ه» (صفت مفعولی) می نویسیم، سپس از مصدر «شدن»، فعلی متناسب با زمان فعل اصلی می آوریم.

ت) در مرحله آخر، شناسه فعل را با نهاد جدید، از نظر شمار (مفرد یا جمع) مطابقت می دهیم.

توجه: امروزه، فعل مجهول به کمک مصدر «شدن» ساخته می شود اما در گذشته، با فعل های دیگری، مانند «آمدن» و «گشتن» نیز ساخته می شد. مانند: نامه نرفته آمد.

نکته: فقط فعل هایی مجهول می شوند که گذرا به مفعول باشند.

انواع «را»

امروزه «را» نشانه مفعول به حساب می آید:

* چو سهراب را دید گردآفرید * من بدبخت هم دست و پایم را گم کرده ام.

در حالی که در گذشته، انواع گوناگونی داشته است. به دومورد دیگر از کارکردهای «را» اشاره می شود:

۱. به جای حرف اضافه

نکته: در این صورت، نقش دستوری واژه قبل از «را» متمم است.

* اگر ما را آفتی رسد از این شخص... (به ما آفتی رسد)

* هدیه ها می داد هر درویش را (به هر درویش)

* تا خویشتن را ضیعتکی حلال خرنند. (برای خویشتن)
* رفعتی نبشت به امیر و مرا داد. (به من)

۲. **فکّ اضافه** (اضافه گسسته / بدل از کسره)
* آن موش را زبرا نام بود. (نام آن موش، زبرا بود).
* مرا مادرم نام مرگ تو کرد. (مادرم نام من را ...)
* چون تو را نوح است کشتی بان ز توفان غم مخور (کشتی بان تو)
* گفت نزدیک است والی را سرای آن جا شویم (سرای والی)
نکته: در گذشته گاهی نشانه «را» همراه با «مر» می آمده است.
* بی هنران **مر** هنرمند را نتوانند که ببینند.
* سزا خود همین است **مر** بی بری را

نکته: در نظام آموزشی جدید (دستور زبان ساختاری) فقط «را»ی نشانه مفعول، حرف اضافه و فکّ اضافه مورد توجه طراحان سؤال بوده است؛ بنابراین از طرح بحث «را»ی مالکیت، «را»ی اختصاص و... (دستور زبان معنایی) صرف نظر شده است.

پسوند - ک

۱. نشانه تصغیر. (معنای کوچک بودن ظاهری را می رساند). مانند: خورجینک، شهرک، پیامک و...
۲. نشانه تحقیر. (معنای حقارت باطنی را می رساند) مانند: مردک
۳. نشانه تقلیل. (کوتاهی و کم بودن چیزی) مانند: دمک
۴. نشانه بی ارزش بودن. مانند: درمک
۵. نشانه تحبیب. (دوست داشتن) مانند: پسرک و طفلک
۶. نشانه ترحم. (دلسوزی) مانند: حیوانک، غلامک و کنیزک.
۷. نشانه شباهت. مانند: خروسک، عروسک، پشمک و...
نکته: این پسوند انواع دیگری نیز دارد که از ذکر آنها صرف نظر شده است.
نکته: -ک در برخی واژه ها پسوند نیست و جزء خود کلمه است. مانند: نمک.

پسوندهای شباهت

«وش»، «وار»، «سا»، «سان»، «ان»، «گون»، «آسا»، «دیس» و... پسوندهای شباهت هستند و در حکم ادات تشبیه عمل می کنند. مانند: خواجه‌وش، دیوانه‌وار، مهسا، آینه‌سان، کوهان، نیلگون، برق‌آسا، تندیس و...
نکته: پسوند «ان» کارکردهای دیگری هم دارد که در ادامه بدان اشاره شده است.
نکته: در برخی واژه‌ها، نوع پسوند «ان» را فقط باید در ساختار کلام تشخیص داد.

نشانه «ان» در پایان واژه

۱. جزئی از خود واژه: ایمان، نوجوان و...
۲. نشانه جمع: یاران، دوستان، کوهان (کوه‌ها) و...
نکته: در واژه‌هایی که به مصوت‌های «ا»، «یه» و «و» ختم می‌شوند، از صامت میانجی استفاده می‌کنیم. مانند: دانایان، نویسندگان و دانشجویان.
۳. نشانه زمان: بامدادان، بهاران و...
۴. نشانه مکان: دیلمان، خاوران و...
۵. صفت فاعلی: خندان، خواهان و...
۶. نشانه شباهت: کوهان (مانند کوه) و...
۷. نشانه نسبت: کاویان، بابکان و...

بخش سوم: سایر نکات قلمرو زبانی

واژه‌های دوتلفظی

در فارسی معیار و رایج، برخی از واژه‌ها به دو شکل، تلفظ می‌شوند؛ نظیر «مهربان، مهربان».*
* ای مهربان‌تر از برگ در بوسه‌های باران

نکته: در واقع واژه‌هایی دوتلفظی هستند که بتوان آن‌ها را هم با مصوت کوتاه خواند و هم با ساکن. بر اساس این توضیح، با اختلاف تلفظ در واژه‌ای مانند «چشم» (چشم، چشم)، کلمه، دوتلفظی نمی‌شود.

روابط معنایی چهارگانه (ترادف، تضاد، تناسب و تضمین)

ترادف یعنی دو واژه معنای یکسان دارند. در فرهنگ‌های لغت نیز برای نشان دادن معنای یک کلمه، واژه‌هایی ذکر می‌شوند که هم‌معنا هستند. مثل خوب و نیکو.

تضاد (تقابل معنایی): واژه‌هایی که از نظر معنایی مقابل یکدیگر قرار می‌گیرند. مثل خوب و بد.

تناسب: واژه‌هایی که از جهتی به هم مربوطند و خود زیرمجموعه یک کل بزرگ‌تر قرار می‌گیرند. مثل «ابر و باد و مه و خورشید و فلک» (همگی پدیده‌های طبیعی‌اند) یا سیب و پرتقال (هر دو میوه‌اند).

تضمین: وقتی یک واژه، زیرمجموعه واژه دیگر باشد، با هم رابطه «تضمین» دارند. (رابطه جزء و کل) مثل سیب و میوه. (سیب یکی از انواع میوه است.)

واژه‌های هم‌آوا

دو کلمه که تلفظ (آوا) یکسان دارند اما از نظر نوشتاری و معنا متفاوت هستند.
غریب / قریب - سفر / صفر - بحر / بهر - اسیر / ائیر - عمارت / امارت - سفیر / صفر

نکته: تعریف ارائه شده مطابق با مثال‌های کتب درسی دوره دبستان، متوسطه اول و دوم و سؤالات امتحانات نهایی ادوار گذشته است. واژه‌های هم‌آوا دایره وسیع‌تری از این تعریف دارد.

ممال

تبدیل مصوّت بلند «ا» به مصوّت بلند «ی» در بعضی از واژگان عربی

در پیچ و تاب عرفان اسلیمی، آدم چه کاره بود؟ (اسلامی ← اسلیمی)
کُشانی بدو گفت با تو سلیح (سلاح ← سلیح) / نبینم همی جز فسوس و مزیح (مزاح ← مزیح)
نمونه‌های دیگر: (هلام ← هلیم)، (حجاب ← حجیب) و یا (رکاب ← رکیب)

تفاوت معنایی افعال / افعال اسنادی و غیراسنادی

فعل‌های «است / نیست» زمانی که حالتی را به کسی یا چیزی نسبت دهند، اسنادی و زمانی که به معنای «وجود داشتن / نداشتن» باشند، غیراسنادی است.

گفت: نزدیک است والی را سرای آنجا شویم / گفت: والی از کجا در خانه خمار نیست؟
فعل اسنادی فعل غیراسنادی

در برخی از متون به ویژه متون تاریخی، گاهی از اوقات، «شدن» در معنای «رفتن» به کار رفته است. در این صورت فعلی غیراسنادی است. چند نمونه:
الف) بشد تیز، رهام با خود و گبر
ب) دل بر دلدار رفت، جان بر جانانه شد
پ) ای مشت زمین، بر آسمان شو

گاهی اوقات نیز افعال با توجه به اجزای جمله معنایی مختلفی می‌گیرند. برای مثال به معنای مختلف فعل «برید» در نمونه‌های زیر دقت کنید:

الف) طناب را برید. ب) از او دل برید. پ) شیر برید. ت) حرفش را برید. و...

چند نمونه دیگر:

۱. «کُشتن»:

الف) گفتم که نوش لعلت ما را به آرزو کشت / گفتا تو بندگی کن کاو بنده‌پرور آید (به قتل رساندن)
ب) بادی که در زمانه بسی شمع‌ها بکشت / هم بر چراغدان شما نیز بگذرد (خاموش کردن)

۲. «بازگرفتن»:

ما را به نزدیک خویش باز گرفت. (مهمان کرد)

۳. «گرفتن»:

الف) به سهراب بر، تیرباران گرفت / چپ و راست، جنگ سواران گرفت (آغاز شدن)
ب) گلدان را گرفت. (برداشت)

پ) لوله آب گرفت. (مسدود شدن)

و خورشید گرفت، دلم گرفت، عضلات پایم گرفت و یا «به حرص ار شربتی خوردم مگیر از من که بد کردم» (بازخواست کردن)

۴. «گذشتن»:

الف) از رودخانه گذشت. (عبور کردن)

ب) خدا از تقصیرات او گذشت. (بخشیدن)

پ) جوانی مان گذشت. (سپری شدن)

و...

نکته: بدیهی است که بعضی از افعال با اضافه شدن پیشوند، معنای جدیدی می‌گیرند. مانند: درگذشت (فوت کردن)

تحول معنایی واژه‌ها

واژه‌ها و معنای آنها همیشگی و ماندگار نیستند. ممکن است در گذر زمان، برای هر واژه، یکی از چهار وضعیت زیر پیش آید:

الف) به دلایل سیاسی، فرهنگی، مذهبی یا اجتماعی، از فهرست واژگان حذف شود؛ مانند: «فتراک (ترک‌بند)، برگستوان (زره، جامه جنگی)، آزن‌داک (رنگین کمان) و سوفار (دهانه تیر)»

ب) با از دست دادن معنای پیشین و پذیرفتن معنای جدید، به دوران بعد منتقل شود؛ مانند: «کثیف، سوگند، دستور و شوخ»

معنای جدید	معنای پیشین	واژه
آلوده	غلیظ / کلفت	کثیف
قسم	گوگرد	سوگند
بذله‌گو	چرک	شوخ
امر و فرمان	مشاور و وزیر	دستور

پ) با همان معنای قدیم به حیات خود ادامه دهد؛ مانند: «شادی، خنده و پذیرش»
ت) هم معنای قدیم خود را حفظ کند و هم معنای جدید بگیرد؛ مانند: «سپر، رکاب و یخچال»

نکته: معنای بعضی از واژه‌ها تنها در جمله یا زنجیره سخن قابل درک است.

ماه:

الف) ماه طولانی بود. (یکی از ماه‌های سال) (ب) ماه تابناک بود. (ماه آسمان)

اندیشه:

الف) غلام عشق شو، کاندیشه این است / همه صاحب‌دلان را پیشه این است (فکر)
ب) چو بشنید خسرو از آن شاد گشت / روانش ز اندیشه آزاد گشت (اندوه و اضطراب)

دستور:

الف) چه نیکو گفت با جمشید دستور / که با نادان نه شیون باد و نه سور (وزیر یا مشاور)
ب) گر ایدونک دستور باشد کنون / بگوید سخن پیش تو رهنمون (اجازه)

طاق:

الف) طاق‌پذیر است عشق، جفت نخواهد حریف / بر نمط عشق اگر پای نهی طاق نه (یکتا و بی‌مانند)
ب) نهاده به طاق اندرون تخت زر / نشانده به هر پایه‌ای در گهر (ایوان)
پ) چون ابروی معشوقان با طاق و رواق است / چون روی پری‌رویوان با رنگ و نگار است (حالت خمیده)

دستور زبان فارسی

پرسش نامه ۱

(سؤالات تشریحی امتحانات نهایی)

جملات چهار جزئی

فارسی دوازدهم

۱. (خارج از کشور خرداد ۹۹) در عبارت «این گونه است که عشق جاودانی همواره معشوق را جوان می‌بیند.» کدام جمله به صورت «نهاد + مفعول + مسند + فعل» آمده است؟ (۰/۲۵)
۲. (شهریور ۹۹ و دی ۱۴۰۲) در نوشته «برف کوه هنوز آب نشده است. گل و گیاه پشم گوسفندان را رنگین کرده است. نامه برادر با من همان کرد که شعر و چنگ رودکی با امیر سامانی.» ساختار دستوری کدام جمله مطابق با الگوی «نهاد + مفعول + مسند + فعل» است؟ (۰/۲۵)
۳. (دی ۹۹) الگوی ساخت کدام جمله «نهاد + مفعول + مسند + فعل» است؟ (۰/۲۵)
 - الف) زیبایی محبوب تو چند روزی بیش نیست.
 - ب) عشق جاودانی همواره معشوق را جوان می‌بیند.
 - ج) در این سفر، ستارگان را با درخشندگی جاودان خود می‌بینم.
 - د) عشق از بهر این معنی، فرض راه آمد.
۴. (انسانی خرداد ۱۴۰۰) هر یک از الگوهای زیر، با کدام جمله مطابقت دارد؟ (یک جمله اضافی است) (۰/۵)

الف) نهاد + مسند + فعل	۱) برخی عاشق را دیوانه می‌پندارند.
ب) نهاد + مفعول + مسند + فعل	۲) مردم به او دهقان فداکار می‌گفتند.
	۳) عاشقان کشتگان معشوقند
۵. (خرداد ۱۴۰۱) در همه گزینه‌ها به جز جمله‌ای با الگوی «نهاد + مفعول + مسند + فعل» دیده می‌شود. (۰/۲۵)
 - الف) محبت چون به غایت رسد، آن را عشق خوانند.
 - ب) به عشق نتوان رسیدن تا از معرفت و محبت دو پایه نردبان نسازد.
 - ج) همواره عشق قدیم را موضوع صحیفه شعر خود می‌گرداند.
 - د) آتش عشق او را چنان گرداند که همه جهان، آتش بیند.
۶. (خارج از کشور خرداد ۱۴۰۲) با توجه به بیت «خواب و خورت ز مرتبه خویش دور کرد / آن‌گه رسی به خویش که بی‌خواب و خور شوی» درستی گزاره زیر را مشخص کنید.
 - مصراع اول بر اساس الگوی «نهاد + مفعول + مسند + فعل» ساخته شده است.

کاربرد متمم با دو حرف اضافه

فارسی دهم

۱. (شهریور ۱۴۰۱) در سروده مهدی اخوان ثالث کدام ویژگی دستوری زبان کهن به کار رفته است؟ (۰/۲۵)
 - «بر درختی که به زیرش ایستاده بود و بر آن بر تکیه داده بود.»

نقش‌های تبعی (بدل، معطوف و تکرار)

فارسی یازدهم

۱. (خرداد ۹۸ و شهریور ۱۴۰۱) در متن زیر، یک نقش تبعی معطوف و یک بدل بیابید.
«ما پرندگان را نیز پیشوا و شهریار است. نامش سیمرغ است و در پس کوه قاف، بلندترین کوه روی زمین، بر درختی بلند، آشیان دارد.»
۲. (شهریور ۹۸) در نوشته زیر، یک نقش تبعی با ذکر نوع آن مشخص کنید. (۰/۵)
«رم، پایتخت ایتالیا، شهری است قدیمی. دیوارهای قطور و باروهای دودخورده آن به زبان حال بازگو می‌کند»
۳. (خرداد ۹۹ انسانی) در نوشته «رم، پایتخت ایتالیا، شهری است قدیمی با دیوارهای قطور و باروهای دودخورده»، کدام واژه نقش تبعی معطوف دارد؟ (۰/۲۵)
۴. (خارج از کشور خرداد ۹۹) کدام نقش تبعی در مصرع «قصه است این، آری قصه درد است» وجود دارد؟ (۰/۲۵)
۵. (شهریور ۹۹ و خارج از کشور خرداد ۱۴۰۱) در جمله «سیمرغ در پس کوه قاف، بلندترین کوه روی زمین، آشیان دارد.» کدام گروه اسمی نقش تبعی دارد؟ نوع آن را بنویسید. (۰/۵)
۶. (بزرگسالان شهریور ۹۹) در متن زیر، کدام گروه اسمی، نقش تبعی بدل دارد؟ (۰/۲۵)
«برخی در همان نخستین منزل، وادی طلب، به زاری زار، جان سپردند اما آنان که همت یارشان بود، پیش‌تر می‌رفتند.»
۷. (دی ۹۹) کدام نقش تبعی در بیت «چنان آمد اسب و قبای سوار / که گفתי سمن داشت اندر کنار» به کار رفته است؟ (۰/۲۵)
۸. (خرداد ۱۴۰۰ ریاضی/تجربی) گروه اسمی «آن هریوه خوب» در عبارت «هفت‌خوان را زادسرو مرو، آن هریوه خوب و پاک‌آیین، روایت کرد؛ خوان هشتم را من روایت می‌کنم اکنون، من که نامم ماث»، چه نوع نقش تبعی دارد؟ (۰/۲۵)
۹. (خرداد ۱۴۰۰ انسانی) در عبارت «بر لب آن چاه / سایه‌ای را دید / آن شغاد آن نابردار بود، «شغاد» نقش تبعی بدل دارد. (۰/۲۵) درست نادرست

۱۰. (شهریور ۱۴۰۰) در جمله «سیاوش، فرزند کاووس، شاه کیانی است که رستم به او رسم پهلوانی می‌آموزد»، گروه اسمی «شاه کیانی» مسند است یا بدل؟ (۰/۲۵)
۱۱. (دی ۱۴۰۰) در عبارت «ما پرندگان را نیز پیشوا و شهریاری است. نامش سیمرغ است و در پس کوه قاف، بر درختی بلند آشیان دارد»،
(الف) کدام واژه در نقش تبعی بدل به کار رفته است؟ (۰/۲۵)
(ب) کدام واژه نقش معطوف دارد؟ (۰/۲۵)
۱۲. (خرداد ۱۴۰۱) در ابیات:
«صد هزاران سایه جاوید تو / گم شده بینی ز یک خورشید تو
چون نگه کردند آن سی مرغ زود / بی شک این سی مرغ آن سیمرغ بود
خویش را دیدند سیمرغ تمام / بود خود سیمرغ، سی مرغ تمام»
واژه «تو»، نقش تبعی تکرار و واژه «خود» نقش تبعی بدل دارد؟ (۰/۲۵) درست نادرست
۱۳. (دی ۱۴۰۱) کدام نقش تبعی در مصراع «صد جویبار است اینجا، در انتظار من و تو» مشاهده می‌شود؟ (۰/۲۵)
۱۴. (بزرگسالان دی ۹۷) در عبارت «نامه را معلم کلاس سوم، برایم نوشته بود؛ به یاد گذشته‌ها و خاطرات پاریز»، کدام واژه نقش تبعی دارد؟ (۰/۲۵)
۱۵. (خرداد ۱۴۰۲) در سروده «تهمتن، گرد سحستانی / کوه کوهان، مرد مردستان / رستم دستان / در تگ تاریک ژرف چاه پهناور / کشته هر سو بر کف و دیواره‌هایش نیزه و خنجر ... / در بن این چاه آبش زهر شمشیر و سنان، گم بود»، نوع نخستین نقش تبعی را بنویسید. (۰/۲۵)
۱۶. (خارج از کشور خرداد ۱۴۰۲) در عبارت زیر، نوع نقش‌های تبعی را مشخص کنید. (۰/۵)
هدهد چنان از شکوه سیمرغ سخن راند که مرغان جملگی شیدا و دلباخته گشتند.
۱۷. (شهریور ۱۴۰۲) در سروده زیر نوع نقش تبعی را مشخص کنید. (۰/۲۵)
بر لب آن چاه / سایه‌ای را دید / او شغاد آن نابردار بود / که درون چه نگه می‌کرد و می‌خندید.
۱۸. (دی ۱۴۰۲) در عبارت «سیاوش، فرزند کاووس، شاه کیانی است که رستم به او پهلوانی می‌آموزد»، یک نمونه نقش تبعی بیابید و نوع آن را مشخص کنید. (۰/۵)

ترتیب اجزای جمله در زبان فارسی (شیوه عادی و شیوه بلاغی)

فارسی دهم

۱. (بزرگسالان دی ۹۷) مصراع «جامه‌ای کاو نشود غرقه به خون بهر وطن» را از شیوه بلاغی به شیوه عادی برگردانید. (۰/۷۵)
۲. (خرداد ۹۸) در همه بیت‌ها به جز گزینه شیوه بلاغی دیده می‌شود. (۰/۲۵)
الف) همی داد مژده یکی را دگر / که بخشود بر بی‌گنه دادگر
ب) رخ شاه‌کاووس پرشرم دید / سخن گفتنش با پسر نرم دید
ج) که هرچند فرزند هست ارجمند / دل شاه از اندیشه یابد گزند
د) چنین است سوگند چرخ بلند / که بر بی‌گناهان نیاید گزند
۳. (خارج از کشور خرداد ۹۸) مصراع اول بیت زیر را مطابق با زبان فارسی معیار بنویسید. (۰/۵)
هر یکی بی‌نا شود بر قدر خویش / باز یابد در حقیقت صدر خویش
۴. (شهریور ۹۸) بیت زیر به شیوه بلاغی سروده شده است؛ آن را به یک جمله عادی برگردانید. (۰/۵)
چون گشت زمین ز جور گردون / سرد و سیه و خموش و آوند
۵. (خرداد ۹۹ انسانی) بیت «صد تیغ جفا بر سر و تن دید یکی چوب / تا شد تهی از خویش و نی‌اش نام نهادند» را از شیوه بلاغی به شیوه عادی برگردانید. (۰/۵)
۶. (خارج از کشور خرداد ۱۴۰۱) بیت زیر را از شیوه بلاغی به شیوه عادی برگردانید. (۰/۵)
نهادند بر دشت هیزم دو کوه / جهانی نظاره شده هم‌گروه
۷. (دی ۱۴۰۱) مصراع «غرق غباریم و غربت، با من بیا سمت باران» را بر اساس ترتیب اجزای جمله مرتب کنید. (۰/۵)
۸. (خارج از کشور خرداد ۱۴۰۲) مصراع «وزین خوش‌تر نباشد در جهان پند» را از شیوه بلاغی به شیوه عادی برگردانید. (۰/۲۵)

گروه اسمی و ترکیب‌های وصفی و اضافی

فارسی هشتم و فارسی یازدهم

۱. (بزرگسالان دی ۹۷) در گروه اسمی «معلم کلاس سوم»، هسته کدام کلمه است؟ (۰/۲۵)
۲. (خرداد ۹۸) با توجه به بیت‌های زیر، درستی یا نادرستی هر یک از موارد داده شده را تعیین کنید. (۰/۵)

تو مشت درشت روزگاری / از گردش قرن‌ها پس‌افکند
زین بی‌خردان سفله بستان / داد دل مردم خردمند

الف) در گروه اسمی «مشت درشت روزگار»، واژه «مشت»، هسته است. درست نادرست
ب) ترکیب «مردم خردمند» وصفی و ترکیب «بی‌خردان سفله» اضافی است. درست نادرست
۳. (خارج از کشور خرداد ۹۸ و دی ۱۴۰۱) گروه اسمی «درهای زندگی» وصفی است یا اضافی؟ (۰/۲۵)
۴. (شهریور ۹۸) ترکیب «احساس عشق» وصفی است یا اضافی؟ (۰/۲۵)
۵. (دی ۹۸) در بیت زیر، ترکیب‌های اضافی را پیدا کنید و بنویسید. (۰/۵)

«زین بی‌خردان سفله بستان / داد دل مردم خردمند»
۶. (خرداد ۹۹ ریاضی/تجربی) در گروه اسمی «انهدام آن تیربار»، «تیربار»، هسته گروه اسمی است. درست نادرست (۰/۲۵)
۷. (خرداد ۹۹ ریاضی/تجربی) کدام یک از ترکیب‌های «قلب فسرده» و «قلب زمین» اضافی است؟ (۰/۲۵)
۸. (خرداد ۹۹ ریاضی/تجربی) یک ترکیب وصفی در بیت «بفکن ز پی این اساس تزویر / بگسل ز پی این نژاد و پیوند» بنویسید. (۰/۲۵)
۹. (خرداد ۹۹ ریاضی/تجربی) در گروه اسمی «رخش بی‌مانند»، نوع وابسته پسین را بنویسید. (۰/۲۵)
۱۰. (شهریور ۹۹) یک ترکیب اضافی در بیت «پراندیشه شد جان کاووس کی / ز فرزند و سودابه نیک‌پی» بیابید. (۰/۲۵)
۱۱. (دی ۹۹) ترکیب «قبای سوار» وصفی است یا اضافی؟ (۰/۲۵)

۱۲. (خرداد ۱۴۰۰ ریاضی/تجربی) «خوابگاه مردم» ترکیب اضافی و «مردم بدکار» وصفی است. (۰/۲۵) درست نادرست

۱۳. (خرداد ۱۴۰۰ ریاضی/تجربی) واژه «هشتم» کدام یک از انواع وابسته‌های پسین است؟ (۰/۲۵)

۱۴. (خرداد ۱۴۰۰ ریاضی/تجربی) در گروه اسمی «زادسرو مرو» هسته را مشخص کنید. (۰/۲۵)

۱۵. (خرداد ۱۴۰۰ انسانی) «چاهسار گوش» یک ترکیب اضافی و «آن چاه» یک ترکیب وصفی است. (۰/۲۵) درست نادرست

۱۶. (خرداد ۱۴۰۰ انسانی) در یک گروه اسمی، واژه «اسب» را با یک وابسته پیشین و یک وابسته پسین به کار ببرید. (۰/۵)

۱۷. (شهریور ۱۴۰۰ و دی ۱۴۰۲) در جمله «سیاوش، فرزند کاووس، شاه کیانی است که رستم به او رسم پهلوانی می‌آموزد»، یک ترکیب اضافی و یک ترکیب وصفی بیابید و بنویسید. (۰/۵)

۱۸. (شهریور ۱۴۰۰) نوع وابسته‌های پیشین و پسین را در گروه‌های اسمی مشخص شده بنویسید. (۰/۵)
«کشته هر سو بر کف و دیواره‌هایش نیزه و خنجر»

۱۹. (دی ۱۴۰۰) در سروده «چه حرف تازه‌ای برای گفتن مانده است یا چه چیز تازه‌ای برای نوشتن که بتواند عشق مرا یا سجایای ارزشمند تو را بازگو کند؟!»، کدام واژه، وابسته پیشین اسم است؟ (۰/۲۵)

۲۰. (دی ۱۴۰۰) در بیت «خاکی است که رنگین شده از خون ضعیفان / این ملک که بغداد و ری‌اش نام نهادند» یک ترکیب اضافی در بیت بیابید و بنویسید. (۰/۲۵)

۲۱. (خرداد ۱۴۰۱) یک ترکیب وصفی در بیت «ای مشت زمین بر آسمان شو / بر وی بنواز ضربتی چند» بیابید. (۰/۲۵)

۲۲. (خرداد ۱۴۰۱) هسته گروه اسمی «این پند سیاه‌بخت فرزند» را تعیین کنید. (۰/۲۵)

۲۳. (خارج از کشور خرداد ۱۴۰۱) یک ترکیب وصفی و یک ترکیب اضافی در بند زیر بیابید. (۰/۵)
«عشق من، خنده تو در تاریک‌ترین لحظه‌ها می‌شکفت»

۲۴. (خرداد ۱۴۰۲) در گروه اسمی «شیرزده شیر ارغند» واژه «شیر» هسته است. درست نادرست

۲۵. (خرداد ۱۴۰۲) ترکیب «مادر سرسپید» وصفی و ترکیب «سیاه‌بخت فرزند» اضافی است. درست نادرست

۲۶. (خارج از کشور خرداد ۱۴۰۲) ترکیب‌های اضافی را در بیت «گفت نزدیک است والی را سرای آنجا شویم / گفت والی از کجا در خانه خمّار نیست»، مشخص کنید. (۰/۵)

۲۷. (شهریور ۱۴۰۲) در بیت زیر یک ترکیب وصفی و یک ترکیب اضافی پیدا کنید. (۰/۵)
چشم بگشا به گلستان و بین / جلوه آب صاف در گل و خار

وابسته‌های وابسته

فارسی دوازدهم

۱. (بزرگسالان دی ۹۷) نوع وابسته و وابسته گروه اسمی «معلم کلاس سوم» را بنویسید. (۰/۲۵)
۲. (خرداد ۹۸) در هر یک از گروه‌های اسمی زیر، نوع وابسته وابسته را مشخص کنید. (۰/۵)
الف) دوازده سیر زعفران: ب) شرایط تقریباً پایدار:
۳. (خارج از کشور خرداد ۹۸) در عبارت زیر، کدام واژه در نقش «ممیز» است؟ (۰/۲۵)
«و به من سفارش شد که بردن سیصد هزار تومان تا تهران همراه یک محصل خطرناک است!»
۴. (خارج از کشور خرداد ۹۸) در مصراع «فکری ای هم‌وطنان در ره آزادی خویش» نوع دقیق وابسته‌های پسین گروه اسمی مشخص شده را بنویسید. (۰/۷۵)

۵. (شهریور ۹۸) نوع وابسته و وابسته را در گروه‌های اسمی زیر تعیین کنید. (۰/۵)
الف) اسیر این جهان: ب) هفت فرسخ راه:

۶. (دی ۹۸) با توجه به گروه‌های اسمی زیر، جدول را کامل کنید. (۰/۵)
الف) برجسته‌ترین شاگرد حوزه ادبیات ب) قلب آن کویر

مضاف‌الیه مضاف‌الیه	صفت مضاف‌الیه

۷. (خرداد ۹۹ انسانی) در گروه اسمی «دوست بسیار مهربان»، واژه «بسیار» صفت است. (۰/۲۵) درست نادرست

۸. (خرداد ۹۹ انسانی) در جمله «بوی شبدرد دوچین هوا را عطر آگین ساخته است.»، کدام واژه «صفت مضاف‌الیه» است؟ (۰/۲۵)
۹. (خرداد ۹۹ ریاضی/تجربی) در نوشته زیر، نوع وابسته وابسته مشخص شده را تعیین کنید. (۰/۵)
بر بالای آن، با خط بسیار روشن، دو سطر مطلب زیبا نوشته شده بود.
۱۰. (خارج از کشور خرداد ۹۹) وابسته وابسته را در گروه‌های اسمی زیر یافته و جدول را کامل کنید. (۰/۵)
الف) یک کربلا شکوه ب) قلب آن کویر

صفت مضاف‌الیه	ممیز

۱۱. (شهریور ۹۹) در نمونه‌های زیر، نوع وابسته وابسته مشخص شده را بنویسید.
الف) برنامه کدام سفر
ب) دوست بسیار مهربان
۱۲. (بزرگسالان شهریور ۹۹ و ریاضی/تجربی خرداد ۱۴۰۰) در هر یک از موارد زیر، نوع وابسته وابسته مشخص شده را تعیین کنید. (۰/۵)
الف) متوجه شدم قدرت قلم این نویسنده تا چه حد بوده است.
ب) اینجا می‌توان چند حلقه چاه عمیق زد.
۱۳. (دی ۹۹) در هر یک از گروه‌های اسمی زیر، نوع وابسته وابسته را تعیین نمایید. (۰/۵)
الف) هفت فرسخ راه
ب) دامنه کوه‌های شمالی
۱۴. (خرداد ۱۴۰۰ انسانی) در نوشته زیر، نوع وابسته‌های وابسته مشخص شده را تعیین کنید. (۰/۵)
هنگام مراجعه به بانک اعتبارات ایران، سیصد تومان پول تهیه کرده بودم.
۱۵. (شهریور ۱۴۰۰) در هر یک از گروه‌های اسمی زیر، نوع وابسته وابسته را تعیین نمایید. (۰/۵)
الف) سه دست لباس ایرانی
ب) رنگ سبز چمنی
۱۶. (دی ۱۴۰۰) نوع هر یک از وابسته‌های وابسته را در گروه‌های اسمی زیر بنویسید. (۱)
الف) هوای نسبتاً پاک: ب) هفت فرسخ راه:
ج) سموم سرد این عقل: د) بانک اعتبارات ایران:

۱۷. (خارج از کشور خرداد ۱۴۰۱) در عبارت «سه تخته پتو» نوع وابسته وابسته را بنویسید. (۰/۲۵)
۱۸. (خرداد ۱۴۰۱) واژه «دی» در گروه اسمی «سورت سرمای دی» کدام یک از انواع وابسته وابسته است؟ (۰/۲۵)
۱۹. (خرداد ۱۴۰۱) نمودار گروه اسمی «دو تخته فرش» را رسم کنید و نوع وابسته وابسته را در آن تعیین نمایید. (۰/۵)
۲۰. (شهریور ۱۴۰۱) در بیت «محرّم این هوش جز بی‌هوش نیست / مر زبان را مشتری جز گوش نیست»، الف) وابسته وابسته را مشخص کنید. (۰/۲۵) ب) نوع آن را بنویسید. (۰/۲۵)
۲۱. (دی ۱۴۰۱) در عبارت «بعد از خواندن این مطلب، متوجه شدم که دنیا عجیب فراموش کار است! بیست سی سال پیش چه کارها کرده!»، الف) نوع وابسته وابسته را بنویسید. (۰/۲۵) ب) نمودار آن را رسم کنید. (۰/۲۵)
۲۲. (خرداد ۱۴۰۲) ضمیر پیوسته در کدام مصراع، وابسته وابسته است؟ (۰/۲۵)
- بعد چندی که گشودش چشم
رخش خود را دید
بس که خونس رفته بود از تن
بس که زهر زخم‌ها کاریش
گویی از تن حس و هوشش رفته بود و داشت می‌خوابید
۲۳. (خرداد ۱۴۰۲) در بیت «به دستور فرمود تا ساروان / هیون آرد از دشت صد کاروان»، کدام واژه در جایگاه ممیز است؟ (۰/۲۵)
۲۴. (خرداد ۱۴۰۲) در متن «کلمه استاد را به پیشنهاد ایشان اختیار کردم اما خوش ندارم زیاد استعمال کنم. همه حضار یک‌صدا تصدیق کردند که تخلّصی بس به جاست و سزاوار ایشان است.»، الف) نوع وابسته وابسته را بنویسید. (۰/۲۵) ب) نمودار پیکانی آن را رسم نمایید. (۰/۲۵)
۲۵. (خارج از کشور خرداد ۱۴۰۲) در کدام گزینه وابسته وابسته وجود ندارد؟ (۰/۲۵)
- الف) یک چمن داغ (ب) دموکراسی قرن بیستم (ج) لباس سفید گل‌دار (د) کلاس خیلی مرتب
۲۶. (شهریور ۱۴۰۲) در جمله زیر نوع وابسته وابسته را بنویسید و نمودار پیکانی آن را رسم کنید. (۰/۵)
- نگاه‌های مردم آسفالت‌نشین آن را کهکشان می‌بیند.
۲۷. (دی ۱۴۰۲) کدام نوع وابسته وابسته در عبارت زیر دیده می‌شود؟ (۰/۲۵)
- بر بالای آن با خط بسیار روشن نوشته شده بود.

ضمایر پیوسته و مرجع ضمیر

فارسی هفتم و فارسی دهم

۱. (دی ۹۸) نقش دستوری ضمیر پیوسته مشخص شده را بنویسید. (۰/۲۵)
تا چشم بشر نبیند / بنهفته به ایر، چهر دل بند
۲. (خرداد ۹۹ ریاضی/تجربی) در بیت زیر، نقش دستوری ضمیر پیوسته «ش» را بنویسید. (۰/۲۵)
چو بشنید خسرو از آن شاد گشت / روانش از اندیشه آزاد گشت
۳. (خرداد ۹۹ ریاضی/تجربی) در سروده «و در بهاران، عشق من! خندهات را می‌خواهم چون گلی که در انتظارش بودم»، مرجع ضمیر شخصی پیوسته «ش» در واژه «انتظارش» چیست؟ (۰/۲۵)
۴. (خرداد ۹۹ انسانی) در نوشته «و هر چه موجودند، از روحانی و جسمانی طالب کمال اند. و هیچ‌کس نبینی که او را به جمال میلی نباشد»، مرجع ضمیر «او» را تعیین کنید. (۰/۲۵)
۵. (خرداد ۹۹ انسانی) نقش دستوری ضمائر مشخص شده را در هر مصراع بنویسید. (۰/۵)
الف) گفت آگه نیستی کز سر درافتاد کلاه
ب) که دوزخ مرا زین سخن گشت خوار
۶. (خرداد ۱۴۰۰ ریاضی/تجربی) در نوشته «اگر من صدایتان نمی‌کردم، متوجه حضور من نمی‌شدید»، نقش دستوری ضمیر پیوسته «تان» چیست؟ (۰/۲۵)
۷. (خرداد ۱۴۰۰ انسانی) در عبارت «همراهی با شما را دوست‌تر داشتم، بی‌آن که بدانید، تعقیبتان کردم»، مرجع ضمیر پیوسته «تان» چیست؟ (۰/۲۵)
۸. (دی ۱۴۰۰) با توجه به عبارت «از رد صدای شما می‌بایست پیدایتان می‌کردم...»، الف) نقش دستوری ضمیر پیوسته «تان» متمم است یا مفعول؟ (۰/۲۵)
ب) مرجع ضمیر «تان»، «شما» است یا «صدا»؟ (۰/۲۵)
۹. (دی ۱۴۰۱) نقش ضمیر متصل (پیوسته) «تان» را در عبارت «الآن هم دوستان دارم؛ بیشتر از همیشه»، بنویسید. (۰/۲۵)
۱۰. (دی ۱۴۰۲) نقش ضمیر پیوسته مشخص شده در «روزگارش برد و روزش دیر شد»، است. (مفعول - مضاف‌الیه) (۰/۲۵)

انواع حذف

فارسی دهم

۱. **بزرگسالان دی ۹۷** در مصراع «امروز خورشید در دشت، آینه‌دار من و تو»، الف) کدام واژه حذف شده است؟ (۰/۲۵)
ب) نوع حذف آن چیست؟ (۰/۲۵)
۲. **خرداد ۹۸ و بزرگسالان شهریور ۹۹** نوع حذف را در هر یک از موارد زیر تعیین کنید. (۰/۵)
الف) بنده همان به که ز تقصیر خویش / عذر به درگاه خدای آورد
ب) در هر نفسی دو نعمت موجود است و بر هر نعمتی شکری واجب.
۳. **شهریور ۹۸** در شعر «نان را، هوا را، روشنی را، بهار را، از من بگیر اما خندهات را هرگز»، کدام واژه حذف شده است؟ (۰/۲۵)
۴. **دی ۹۸ و دی ۱۴۰۰** در هر یک از نمونه‌های زیر، کدام واژه حذف شده است؟ نوع حذف را بنویسید. (۱)
الف) چه حرف تازه‌ای برای گفتن مانده است یا چه چیز تازه‌ای برای نوشتن؟
ب) گر آتش دل نهفته داری / سوزد جانت به جانت سوگند
۵. **خرداد ۹۹ ریاضی/تجربی** در بیت «همه از بهر تو سرگشته و فرمانبردار / شرط انصاف نباشد که تو فرمان نبری»، الف) کدام فعل حذف شده است؟ (۰/۲۵)
ب) نوع حذف را بنویسید. (۰/۲۵)
۶. **خرداد ۹۹ انسانی و خارج از کشور خرداد ۱۴۰۱** در نوشته «بدان که از جمله نام‌های حُسن یکی جمال است و یکی کمال»، یک مورد حذف فعل بیابید و نوع آن را بنویسید. (۰/۵)
۷. **خارج از کشور خرداد ۹۹** در عبارت زیر، یک نمونه حذف فعل بیابید و نوع آن را مشخص کنید. (۰/۵)
سپاس خورشید را که به هر بامداد بر سر تو زرافشانی می‌کند و ابر گوهرافشانی.
۸. **شهریور ۹۹ و دی ۱۴۰۲** در عبارت «برف کوه هنوز آب نشده است. گل و گیاه، پشم گوسفندان را رنگین کرده است. نامه برادر با من همان کرد که شعر و چنگ رودکی با امیر سامانی.» حذف فعل به قرینه لفظی است یا معنوی؟ (۰/۲۵)

۹. (خرداد ۱۴۰۰ انسانی) در عبارت «من بسیار کوشیده‌ام تا روی دست شاهان جا گرفته‌ام و برای آنان شکار کرده‌ام. آن به که مرا نیز معذور دارید.» چه فعلی حذف شده؟ نوع حذف، لفظی است یا معنایی؟ (۰/۵)
۱۰. (خرداد ۱۴۰۱) در بیت «از سیم به سر یکی کله خود / ز آهن به میان یکی کمر بند» نوع حذف، قرینه لفظی است یا معنایی؟ (۰/۲۵)
۱۱. (شهریور ۱۴۰۱) نوع حذف را در هر یک از عبارات زیر، مشخص نمایید. (۰/۵)
الف) زندگی، سخت آلوده است و انسان ماندن، دشوار.
ب) تو نیز تیرانا، گشاده‌دستی و کرامت را از درختان میوه‌دار بیاموز.
۱۲. (دی ۱۴۰۱) نوع حذف در مصراع نخست بیت زیر، به قرینه لفظی است یا معنایی؟ (۰/۲۵)
آینه نگاهت، پیوند صبح و ساحل / لبخند گاه‌گهت، صبح ستاره‌باران
۱۳. (خرداد ۱۴۰۲) کدام گزینه حذف به قرینه معنایی صورت پذیرفته است؟ (۰/۲۵)
الف) عشق من، خنده تو / در تاریک‌ترین لحظه‌ها می‌شکفد.
ب) پادشه را کرم باید تا بر او گرد آیند و رحمت تا در پناه دولتش ایمن نشیند.
پ) گر آتش دل نهفته داری / سوزد جانت به جانت سوگند
ت) گفت نزدیک است والی را سرای آنجا شویم / گفت والی از کجا در خانه خمار نیست
۱۴. (خارج از کشور خرداد ۱۴۰۲) در سروده «چه حرف تازه‌ای برای گفتن مانده است یا چه چیز تازه‌ای برای نوشتن»، حذف صورت گرفته به چه قرینه‌ای است؟ (۰/۲۵)
۱۵. (شهریور ۱۴۰۲) در هر یک از ابیات زیر، نوع حذف فعل (قرینه لفظی / معنایی) را مشخص کنید. (۰/۵)
الف) کرم بین و لطف خداوندگار / گنه بنده کرده است و او شرمسار
ب) ای جویبار جاری! زین سایه برگ مگریز / کاین گونه فرصت از کف دادند بی‌شماران

واو عطف و ربط

فارسی دهم

۱. (خرداد ۹۹ ریاضی/تجربی و خرداد ۱۴۰۰ انسانی) نوع حرف «و» (ربط/عطف) را در هر یک از مصراع‌های زیر، مشخص کنید. (۰/۵)
الف) امروز می‌آید از باغ، بوی بهار من و تو
ب) دیروز در غربت باغ، من بودم و یک چمن داغ
۲. (خرداد ۹۹ انسانی) «واو» ربط (پیوند) در کدام مصراع بیت «صد تیغ جفا بر سر و تن دید یکی چوب / تا شد تهی از خویش و نی‌اش نام نهادند» به کار رفته است؟ (۰/۲۵)
۳. (شهریور ۹۹ و دی ۱۴۰۲) نوع واو بین واژه‌های «شعر و چنگ» ربط است یا عطف؟ (۰/۲۵)
۴. (خرداد ریاضی/تجربی) در بیت «آنجا در آن برزخ سرد، در کوچه‌های غم و درد / غیر از شب آیاد چه می‌دید چشمان تار من و تو» نوع واو در مصراع اول، حرف ربط است یا عطف؟ (۰/۲۵)
۵. (خرداد ۱۴۰۱) در سروده «سورت سرمای دی بیدادها می‌کرد / و چه سرمایی!» نوع واو تعیین شده را بنویسید. (۰/۲۵)
۶. (خارج از کشور خرداد ۱۴۰۱) نوع «و» را در عبارت «در هر نفسی دو نعمت موجود است و بر هر نعمتی شکری واجب.» بنویسید. (۰/۲۵)
۷. (خرداد ۱۴۰۲) «و» در عبارت «در بن این چاه آبش زهر شمشیر و سنان، گم بود ...» حرف عطف است یا ربط؟ (۰/۲۵)
۸. (شهریور ۱۴۰۲) در کدام بیت هر دو نوع «و» (عطف و ربط) یه کار رفته است؟ (۰/۵)
الف) چون رود امیدوارم، بی‌تابم و بی‌قرارم / من می‌روم سوی دریا، جای قرار من و تو
ب) ز نیرنگ هوا و از فریب آذ خاقانی / دلت خلد است خالی ساز از طاووس و شیطانش

جملات ساده و مرکب / جمله هسته (پایه) و جمله وابسته (پیرو) / پیوندهای همپایه‌ساز و وابسته‌ساز

فارسی دهم و دوازدهم

۱. (بزرگسالان دی ۹۷) در شعر «چه حرف تازه‌ای برای گفتن مانده است یا چه چیز تازه‌ای برای نوشتن که بتواند عشق مرا یا سجایای ارزشمند تو را بازگو کند؟»، نوع حرف ربط «یا» را بنویسید. (۰/۲۵)
۲. (خرداد ۹۸ و بزرگسالان شهریور ۹۹) در عبارت زیر، یک حرف پیوند همپایه‌ساز بیابید. (۰/۲۵)
«برخی در همان نخستین منزل از پا درآمدند. بسیاری در دومین منزل به زاری زار جان سپردند اما آنان که همت یارشان بود، پیش‌تر می‌رفتند.» (۰/۲۵)
۳. (خارج از کشور خرداد ۹۸) در عبارت زیر، نوع دقیق حروف ربط مشخص شده را به ترتیب بنویسید. (۰/۵)
«هراز گاهی صدای تیر یا انفجاری او را به خود می‌آورد. اگرچه نمی‌ترسید اما او را وهم گرفته بود.»
۴. (شهریور ۹۸) با توجه به شعر «نان را، هوا را، روشنی را، بهار را، از من بگیر اما خنده‌ات را هرگز.»، حرف ربط «همپایه‌ساز» را مشخص کنید. (۰/۲۵)
۵. (دی ۹۸ و دی ۱۴۰۲) در نوشته زیر، یک پیوند وابسته‌ساز، یک پیوند همپایه‌ساز و جمله وابسته را مشخص کنید. (۰/۷۵)
«می‌خواهم بدانجا روم که خداوند آن را سر حد دنیای خلقت قرار داده است و دیگر در آن ذی‌حیاتی نفس نمی‌کشد.»
۶. (خرداد ۹۹ ریاضی/تجربی) در هر یک از جمله‌های مرکب زیر، جمله وابسته (پیرو) را مشخص کنید. (۰/۵)
الف) اگر امروز بیشتر از این به ما بخورانید، همین جا وبال جان می‌گردیم.
ب) جامه‌ای بود که درزی ازل به قامت زیبای جناب ایشان دوخته بود.
۷. (خرداد ۹۹ انسانی) در سروده «آیا چیزی در مخیله آدمی می‌گنجد که قلم بتواند آن را بنگارد اما جان صادق من آن را برای تو ترسیم نکرده باشد؟!»، یک پیوند همپایه‌ساز بیابید و بنویسید. (۰/۲۵)
۸. (خارج از کشور خرداد ۹۹) در عبارت «این‌گونه است که عشق جاودانی همواره معشوق را جوان می‌بیند.»، جمله هسته را مشخص کنید. (۰/۲۵)
۹. (شهریور ۹۹) در سروده زیر، یک پیوند وابسته‌ساز و یک پیوند همپایه‌ساز مشخص کنید. (۰/۵)
«آیا چیزی در مخیله آدمی می‌گنجد که قلم بتواند آن را بنگارد اما جان صادق من آن را برای تو ترسیم نکرده باشد؟!»
۱۰. (دی ۹۹) در بیت «چنان آمد اسپ و قبای سوار / که گفתי سمن داشت اندر کنار» یک حرف ربط وابسته‌ساز بیابید. (۰/۲۵)
۱۱. (دی ۹۹) در جمله مرکب زیر، جمله هسته (پایه) و جمله وابسته (پیرو) را مشخص کنید. (۰/۵)
«خودت بهتر می‌دانی که در این شب عیدی مالیه از چه قرار است.»

۱۲. (خرداد ۱۴۰۰ ریاضی/تجربی) در کدام گزینه، جملهٔ مرکب دیده می‌شود؟ (۰/۲۵)

- الف) بی‌اختیار در را باز کردم و این جوان نمک‌نشناس را بیرون انداختم.
 ب) از خوش مشربی و فضل و کمال او چیزها گفتند و نمرهٔ تلفن او را از من خواستند.
 ج) آقای مصطفی خیلی معذرت خواستند که بدون خداحافظی با آقایان رفتند.
 د) فوراً مسئلهٔ میهمانی و قرار با رفقا را با عیالم در میان گذاشتم.

۱۳. (خرداد ۱۴۰۰ انسانی) در عبارت «من بسیار کوشیده‌ام تا روی دست شاهان جا گرفته‌ام و برای آنان شکار کرده‌ام. آن به که مرا نیز معذور دارید.»، یک پیوند وابسته‌ساز و یک پیوند هم‌پایه‌ساز بیابید. (۰/۵)

۱۴. (شهریور ۱۴۰۰) در جملهٔ مرکب زیر، جملهٔ هسته (پایه) و جملهٔ وابسته (پیرو) را مشخص کنید. (۰/۵)
 «من بعد از خواندن این مطلب متوجه شدم که دنیا عجیب فراموشکار است.»

۱۵. (دی ۱۴۰۰) در بیت «خاکی است که رنگین شده از خون ضعیفان / این ملک که بغداد و ری‌اش نام نهادند» یک پیوند وابسته‌ساز بیابید و بنویسید. (۰/۲۵)

۱۶. (شهریور ۱۴۰۱) در بیت «به آن کس می‌رسد زین گنج بسیار / که باشد شادمانی را سزاوار»، جملهٔ هسته (پایه) و جملهٔ وابسته (پیرو) را مشخص کنید. (۰/۵)

۱۷. (شهریور ۱۴۰۱) با توجه به نوشتهٔ زیر، درستی یا نادرستی هر یک از موارد داده شده را تعیین کنید. (۰/۵)
 «دیدم چپ و راست مهمان‌ها دراز کشیده‌اند. گفتم: «آقای مصطفی خان خیلی معذرت خواستند که مجبور شدند بدون خداحافظی با آقایان بروند.»

- | | | |
|------------------------------------------------------|------|--------|
| الف) «و» در جملهٔ نخست، پیوند هم‌پایه‌ساز است. | درست | نادرست |
| ب) «که» در جملهٔ ماقبل پایانی، پیوند وابسته‌ساز است. | درست | نادرست |

۱۸. (دی ۱۴۰۱) در عبارت «عشقم به این بود که حرفتان را بشنوم. الان هم دوستان دارم؛ بیشتر از همیشه.»، جملهٔ پیرو یا وابسته را مشخص کنید. (۰/۲۵)

۱۹. (خرداد ۱۴۰۲) در بیت «به دستور فرمود تا ساروان / هیون آرد از دشت صد کاروان» جملهٔ پیرو یا وابسته را مشخص کنید. (۰/۲۵)

۲۰. (خرداد ۱۴۰۲) در عبارت «چون برسیدم بوی گلم چنان مست کرد که دامنم از دست برفت.»، جملهٔ پایه یا هسته را مشخص کنید. (۰/۲۵)

۲۱. (خارج از کشور خرداد ۱۴۰۲) در سرودهٔ «چه حرف تازه‌ای برای گفتن مانده است یا چه چیز تازه‌ای برای نوشتن.»، پیوند هم‌پایه‌ساز را مشخص کنید. (۰/۲۵)

۲۲. (شهریور ۱۴۰۲) در کدام گزینه جملهٔ مرکب وجود ندارد؟ (۰/۵)

- الف) تو که یک غاز بیشتر نیاورده‌ای و به همهٔ دوستان هم وعدهٔ کباب غاز داده‌ای.
 ب) گردنش مثل همان غاز مادرمرده‌ای بود که در همان ساعات در دیگ مشغول کباب شدن بود.
 ج) انسان حیوانی است گوشت‌خوار ولی این مخلوقات عجیب گویا استخوان خوار خلق شده‌اند.
 د) به قدری عصبانی شده بودم که چشمم جایی را نمی‌دید. از این بهانه‌تراشی‌هایش داشتم شاخ در می‌آوردم.

تعداد جملات

۱. (بزرگسالان دی ۹۷) عبارت زیر چند جمله دارد؟ (۰/۲۵)
«لحظه عزیز و شورانگیزی بود؛ لحظه‌ای که هرسال از نخستین دم بهار، بی‌صبرانه چشم به راهش بودیم و تابستان وصال، امیدبخش و مهربان می‌آمد.»
۲. (خارج از کشور خرداد ۹۸) بیت زیر چند جمله است؟ (۰/۲۵)
گفت: «می‌باید تو را تا خانه قاضی برم.» / گفت: «رو، صبح آی، قاضی نیمه‌شب بیدار نیست.»

زمان افعال

فارسی هفتم و فارسی نهم

۱. (بزرگسالان دی ۹۷) با توجه به متن زیر، به پرسش پاسخ دهید. (۰/۲۵)
«خنده تو در پاییز / در کناره دریا / موج کف‌آلوده‌اش را / باید بفرزاد.»
کدام واژه داخل کمانک در مورد زمان دقیق فعل «بفرزاد» درست است؟ (مضارع التزامی / مضارع اخباری)
۲. (خرداد ۹۸ و خارج از کشور خرداد ۹۹) در عبارت زیر، زمان فعل‌ها را دقیقاً تعیین کنید. (۰/۵)
«صدای بلدرچین یک دم قطع نمی‌شود. جوجه کبک‌ها، خط و خال انداخته‌اند.»
۳. (خارج از کشور خرداد ۹۸) فعل «دیده است» چه زمانی دارد؟ (۰/۲۵)
۴. (شهریور ۹۸) در سروده «و نخستین احساس عشق را جایی می‌جوید که خود در آنجا به دنیا آمده‌است»، نوع زمان فعل «آمده‌است» را بنویسید. (۰/۲۵)
۵. (خرداد ۹۹ ریاضی/تجربی) زمان هر دو فعل «فهمیده‌اید» و «بوده‌است» ماضی نقلی است. (۰/۲۵) درست نادرست
۶. (خرداد ۹۹ انسانی) در سروده «آیا چیزی در مخیله آدمی می‌گنجد که قلم بتواند آن را بنگارد اما جان صادق من آن را برای تو ترسیم نکرده باشد؟!»، زمان کدام فعل، مضارع اخباری است؟ (۰/۲۵)

۷. شهریور ۹۹ و دی ۱۴۰۲) زمان فعل «نشده است» ماضی نقلی است یا التزامی؟ (۰/۲۵)
۸. (خرداد ۱۴۰۰ ریاضی/تجربی) در نوشته «فکر کردم اگر پیش‌تر بروم، به‌حتم گم می‌شوم. بر تل خاکی نشستیم. حتی اگر من صدایتان نمی‌کردم، متوجه حضور من نمی‌شدید.»، زمان کدام فعل، «مضارع التزامی» است؟ (۰/۲۵)
۹. (خرداد ۱۴۰۰ انسانی) در عبارت «همراهی با شما را دوست‌تر داشتم. بی آن که بدانید تعقیبتان کردم و نفهمیدم چقدر از سنگرها فاصله گرفته‌ایم.»، زمان کدام فعل، ماضی نقلی است؟ (۰/۲۵)
۱۰. (شهریور ۱۴۰۰) در عبارت «اما خنده‌ات که رها می‌شود و پروازکنان در آسمان مرا می‌جوید...» زمان افعال، ماضی استمراری است یا مضارع اخباری؟ (۰/۲۵)
۱۱. (دی ۱۴۰۰) زمان فعل «مانده است»، ماضی نقلی است یا ماضی بعید؟ (۰/۲۵)
۱۲. (خرداد ۱۴۰۱) در سروده «داشتم می‌گفتم، آن شب نیز / سورت سرمای دی بیدادها می‌کرد / و چه سرمایی؟ / لیک، خوشبختانه آخر، سرپناهی یافتم جایی / ... قهوه‌خانه گرم و روشن بود، هم‌چون شرم ...»، زمان کدام فعل، «ماضی مستمر» است؟ (۰/۲۵)
۱۳. (دی ۱۴۰۱) فعل «بگیرد» ماضی التزامی است یا مضارع التزامی؟ (۰/۲۵)
۱۴. (خرداد ۱۴۰۲) زمان و نوع فعل نخستین جمله در همه عبارات زیر، به جز عبارت یکسان است. (۰/۲۵)
- الف) داشتم می‌گفتم آن شب نیز / سورت سرمای دی بیدادها می‌کرد.
ب) در باب آن مسئله معهود، خاطرمد داشت کم‌کم به کلی آسوده می‌شد.
پ) با تمام نیرویی که داشت می‌دوید. هرازگاهی صدای تیر یا انفجاری او را به خود می‌آورد.
ت) کار داشت به دلخواه انجام می‌یافت که ناگهان از دهنم در رفت که آخر آقایان، حیف نیست از چنین غازی گذشت؟
۱۵. (خارج از کشور خرداد ۱۴۰۲) در مصراع «آن‌گه رسی به خویش که بی‌خواب و خور شوی.»، زمان فعل «رسی» ماضی استمراری است. درست نادرست

انواع «را»

۱. (دی ۹۸) در بیت زیر، کارکرد «را» چیست؟ (۰/۲۵)
«گفت: نزدیک است والی را سرای آنجا شویم / گفت: والی از کجا در خانه خمار نیست»
۲. (شهریور ۹۹) کارکرد «را» در بیت «سیاوش چنین گفت کای شهریار / که دوزخ مرا زین سخن گشت خوار» چیست؟ (۰/۲۵)
۳. (خارج از کشور خرداد ۱۴۰۱) نوع «را» در کدام گزینه نشانه مفعول است؟ (۰/۲۵)
الف) گفت: می‌باید تو را تا خانه قاضی برم / گفت: رو، صبح آی، قاضی نیمه‌شب بیدار نیست
ب) ای مرغ سحر! عشق ز پروانه بیاموز / کان سوخته را جان شد و آواز نیامد

پسوند «ان»

فارسی دوازدهم

۱. (خرداد ۹۸) مفهوم نشانه «ان» را در واژه‌های زیر بنویسید. (۰/۵)
الف) بابکان: (ب) اختران:
۲. (شهریور ۹۸) مفهوم «ان» را در مثال‌های زیر مشخص کنید. (۰/۵)
الف) دیلمان: (ب) کوهان:
۳. (دی ۹۸) کاربرد نشانه «ان» در کدام گزینه با سایر گزینه‌ها متفاوت است؟ (۰/۲۵)
الف) بامدادان (ب) سحرگاهان (ج) خاوران (د) بهاران
۴. (خرداد ۹۹ انسانی) کاربرد نشانه «ان» در واژه «خواهان» با کاربرد این نشانه در کدام گزینه یکسان است؟ (۰/۲۵)
الف) خاوران (ب) سپاهان (ج) گریزان (د) پایان
۵. (ریاضی/تجربی خرداد ۹۹ و دی ۹۹) مفهوم «ان» در واژه بهاران را بنویسید. (۰/۲۵)

۶. (خارج از کشور خرداد ۹۹ و دی ۱۴۰۲) نوع «ان» در واژه‌های «کاوایان-خواهان-دیلمان-پاییزان» به ترتیب کدام است؟ (۰/۲۵)
- الف) زمان/صفت فاعلی/مکان/زمان
ب) منسوب/صفت فاعلی/مکان/زمان
ج) منسوب/جمع/مکان/زمان
د) مکان/جمع/منسوب/زمان
۷. (بزرگسالان شهریور ۹۹) مفهوم «ان» را در هر یک از ترکیب‌های زیر بنویسید. (۰/۵)
- الف) کوهان شتر:
ب) درفش کاوریان:
۸. (خرداد ۱۴۰۰ انسانی و شهریور ۱۴۰۱) مفهوم نشانه «ان» را در واژه‌های زیر بنویسید. (۰/۵)
- الف) کوهان:
ب) خندان:
۹. (خرداد ۱۴۰۰ ریاضی/تجربی) مفهوم نشانه «ان» را در واژه‌های زیر بنویسید. (۰/۵)
- الف) دیلمان:
ب) خواهان:
۱۰. (شهریور ۱۴۰۰ و دی ۱۴۰۱) مفهوم «ان» را در واژه «پروازکنان» بنویسید. (۰/۲۵)
۱۱. (دی ۱۴۰۰) «ان» در هر دو واژه «خاوران و شامگاهان» نشانه مکان است. (۰/۲۵) درست نادرست
۱۲. (خرداد ۱۴۰۱) مفهوم «ان» در واژه «صدهزاران» همانند واژه «بهاران» است. (۰/۲۵) درست نادرست
۱۳. (خرداد ۱۴۰۲) نشانه «ان» در واژه مشخص شده در «کوه کوهان، مرد مردستان...» مفهوم شباهت دارد یا جمع؟ (۰/۲۵)
۱۴. (خارج از کشور خرداد ۱۴۰۲) مفهوم نشانه «ان» را در نمونه‌های زیر بررسی کنید. (۰/۵)
- الف) مصطفی با لباس تازه خرامان مانند طاووس مست وارد شد.
ب) به هر جانب که روی آری درفش کاویان بینی
۱۵. (شهریور ۱۴۰۲) مفهوم نشانه «ان» را در واژه‌های زیر بنویسید. (۰/۵)
- الف) کاویان
ب) بهاران

واژه‌های دوتلفظی

فارسی دهم

۱. (دی ۱۴۰۱) در سروده «خندهات که رها می‌شود / و پروازکنان در آسمان مرا می‌جوید / تمامی درهای زندگی را / به رویم می‌گشاید» کدام واژه دوتلفظی است؟ (۰/۲۵)

روابط معنایی چهارگانه (ترادف، تضاد، تناسب و تضمین)

فارسی یازدهم

۱. (خارج از کشور خرداد ۹۹) در بیت «چو شب، تیره گردد شبیخون کنیم / ز دل، ترس و اندیشه بیرون کنیم» با رابطه معنایی (ترادف / تضمین) می‌توان به معنای «اندیشه» پی برد. (۰/۲۵)

۲. (خارج از کشور خرداد ۹۹) متضاد واژه مشخص‌شده بیت «با اهل فنا دارد هر کس سر یک‌رنگی / باید که به رنگ شمع، از رفتن سر خندد»، (تزویر / غدر) است. (۰/۲۵)

۳. (شهریور ۹۹) در بیت زیر، کدام واژه متضاد واژه «شاد» است؟ (۰/۲۵)
«چو بشنید خسرو از آن شاد گشت / روانش ز اندیشه آزاد گشت»

۴. (دی ۱۴۰۱) کدام یک از واژه‌های بیت زیر، مترادف واژه «سریر» است؟ (۰/۲۵)
«بدو گفت: بی تو نخواهم زمان / نه اورنگ و تاج و نه گرز و کمان»

واژه‌های هم‌آوا

۱. (خارج از کشور خرداد ۹۹) «هم‌آوا» در کدام واژه دیده می‌شود؟ (۰/۲۵)
«شیرمرد عرصه ناوردهای هول / پور زال زر، جهان پهللو»

۲. (خرداد ۱۴۰۱) در هر یک از متن‌های زیر، واژه‌ای بیابید که دارای «هم‌آوا» باشد. (۰/۷۵)
الف) کشته هر سو بر کف و دیواره‌هایش نیزه و خنجر / چاه غدر ناجوان‌مردان / چاه پستان، چاه بی‌دردان
ب) هر کسی از ظن خود شد یار من / از درون من نجست اسرار من
ج) در آن اثنا صدای زنگ تلفن از سرسرای عمارت بلند شد.

۳. (شهریور ۱۴۰۱) در بیت زیر، واژگانی را که در زبان فارسی «هم‌آوا» دارند، مشخص کنید. (۰/۵)
از بهر تو صد بار ملامت بکشم / گر بشکنم این عهد غرامت بکشم

۴. (خارج از کشور خرداد ۱۴۰۲) در بیت «بفکن ز پی این اساس تزویر / بگسل ز هم این نژاد و پیوند» یک واژه هم‌آوا بیابید. (۰/۲۵)

۵. (دی ۱۴۰۲) واژه هم‌آوا را در عبارت زیر بیابید و مترادف آن را بنویسید. (۰/۵)
منت خدای را عزّ و جلّ که طاعتش موجب قربت است.

تفاوت معنایی افعال / افعال اسنادی و غیراسنادی

۱. (دی ۹۸) در بیت «گفت: نزدیک است والی را سرای، آنجا شویم / گفت: والی از کجا در خانه خمار نیست» با توجه به معنا، کدام فعل اسنادی است؟ (۰/۲۵)
۲. (انسانی خرداد ۹۹) فعل «نیست» در هر دو مصراع بیت زیر، اسنادی است. (۰/۲۵) درست نادرست
«سر من از ناله من دور نیست / لیک چشم و گوش را آن نور نیست»
۳. (خرداد ۹۹ انسانی) فعل «ساخت» را در دو جمله با معنای متفاوت به کار ببرید. (۰/۵)
۴. (خارج از کشور خرداد ۹۹) تفاوت معنایی فعل «گذشت» را در جمله‌های زیر بنویسید. (۰/۵)
الف) دوران جوانی گذشت. ب) او از حَقش گذشت.
۵. (بزرگسالان شهریور ۹۹) در بیت زیر، فعل‌های مشخص شده را از نظر کاربرد معنایی بررسی کنید. (۰/۵)
گفت: نزدیک است والی را سرای، آنجا شویم / گفت: والی از کجا در خانه خمار نیست
۶. (بزرگسالان شهریور ۹۹) فعل «ساخت» در مصراع «نشد تنگ‌دل، جنگ آتش بساخت» با همین واژه در کدام گزینه معنی یکسانی دارد؟ (۰/۵)
الف) او در مراغه رصدخانه‌ای بزرگ ساخت. ب) آن نامدار لشگری عظیم ساخت.
ج) استاد موسیقی، آهنگ زیبایی ساخت. د) او با نامالیقات زندگی ساخت.
۷. (دی ۹۹) کاربرد معنایی فعل «نیست» در کدام مصراع، اسنادی و در کدام مصراع، غیراسنادی است؟ (۰/۵)
زاهد ظاهرپرست از حال ما آگاه نیست / در حق ما هر چه گوید جای هیچ اکراه نیست
۸. (خرداد ۱۴۰۰ ریاضی / تجربی) در بیت «گفت: نزدیک است والی را سرای، آنجا شویم / گفت: والی از کجا در خانه خمار نیست؟»، فعل «شویم» اسنادی و فعل «نیست» غیراسنادی است. (۰/۲۵) درست نادرست
۹. (شهریور ۱۴۰۰) کاربرد معنایی فعل «نیست» در کدام مصراع اسنادی و در کدام مصراع غیراسنادی است؟ (۰/۵)
الف) گفت: مسجد خوابگاه مردم بدکار نیست
ب) گفت: والی از کجا در خانه خمار نیست؟
۱۰. (دی ۱۴۰۰) در هر دو مصراع بیت زیر، فعل اسنادی به کار رفته است. (۰/۲۵) درست نادرست
گفت: مستی، زان سبب افتان و خیزان می‌روی / گفت: جرم راه رفتن نیست، ره هموار نیست

۱۱. (شهریور ۱۴۰۱) در هر یک از مصراع‌های زیر، فعل‌های مشخص شده را از دیدگاه معنایی بررسی کنید. (۰/۵)
 الف) گفت: نزدیک است والی را سرای، آنجا شویم
 ب) گفت: می بسیار خوردی؛ زان، چنین بی خود شدی

۱۲. (دی ۱۴۰۱) تفاوت معنایی فعل «گرفت» را در مصراع‌های زیر بررسی کنید. (۰/۵)
 الف) ز کردار بد پوزش اندر گرفت
 ب) محتسب مستی به ره دید و گریانش گرفت

۱۳. (خارج از کشور خرداد ۱۴۰۲) تفاوت معنایی فعل «نواخت» را در ابیات زیر بررسی کنید. (۰/۵)
 الف) بنده حلقه به گوش ار نوازی برود / لطف کن لطف که بیگانه شود حلقه به گوش
 ب) ای مشت زمین بر آسمان شو / بر وی بنواز ضربتی چند

۱۴. (شهریور ۱۴۰۲) کاربرد معنایی فعل «شد» در کدام بیت متفاوت است؟ (۰/۲۵)
 الف) پر اندیشه شد جان کاووس کی / ز فرزند و سودابه نیکپی
 ب) بدان‌گه که شد پیش کاووس باز / فرود آمد از باره بردش نماز
 ج) سراسر همه دشت بریان شدند / بر آن چهر خندانش گریان شدند
 د) نخستین دمیدن سیه شد ز دود / زبانه برآمد پس از دود، زود

۱۵. (دی ۱۴۰۲) در عبارت زیر، فعل «بسازند» را از نظر کاربرد معنایی بررسی کنید. (۰/۵)
 ساسانیان برای این‌که بتوانند دیواره‌های مرزی استواری بسازند، مجبور شدند مدتی با دشمنان نواحی شمال شرقی ایران بسازند.

تحول معنایی واژه‌ها

۱. (روزانه شهریور ۹۹) واژه «طلاق» در جمله «دیوارهای کهن روم که هنوز طاق ضربی دروازه‌های آن باقی است...»، با همین واژه در کدام مصراع هم‌معنی است؟ (۰/۲۵)
 الف) طاق‌پذیر است عشق، جفت نخواهد حریف
 ب) چون ابروی معشوقان با طاق و رواق است

۲. (انسانی خرداد ۱۴۰۰) واژه «همّت» در هر یک از ابیات زیر به چه معناست؟ (۰/۵)
 الف) «همّت» اگر سلسله‌جنبان شود / مور تواند که سلیمان شود
 ب) همّت از باد سحر می‌طلبم گر ببرد / خیر از من به رفیقی که به طرف چمن است

۳. (خرداد ۱۴۰۰ ریاضی/تجربی) در بیت‌های زیر، تفاوت معنایی واژه «دستور» را بررسی کنید. (۰/۵)
 الف) چه نیکو گفت با جمشید دستور / که با نادان نه شیون باد و نه سور
 ب) تن ز جان و جان ز تن مستور نیست / لیک کس را دید جان دستور نیست

۴. (خرداد ۱۴۰۱) معنی واژه «دستور» در بیت زیر با معنی آن در کدام گزینه یکسان است؟ (۰/۲۵)
 الف) چه نیکو گفت با جمشید دستور / که با نادان نه شیون باد و نه سور
 ب) گر ایدونک دستور باشد کنون / بگوید سخن پیش تو رهنمون
 ج) تن ز جان و جان ز تن مستور نیست / لیک کس را دید جان دستور نیست
 د) به دستور فرمود تا ساروان / هیون آرد از دشت، صد کاروان
 ب) بر مصطفی بهر رخصت دوید / از او خواست دستوری اما ندید

دستور زبان پرسش نامه ۲

(سؤالات چهارگزینه‌ای)

۱. (ریاضی ۹۷) در عبارت زیر، به ترتیب زمان افعال کدام است؟

«این مطلب را داشته باشید و حالا سری به مدرسه‌ای که در آن تحصیل می‌کردم، بزنیم.»

- ۱) ماضی ساده، ماضی مستمر، مضارع التزامی
 ۲) ماضی التزامی، ماضی مستمر، مضارع مستمر
 ۳) ماضی مستمر، ماضی استمراری، مضارع مستمر
 ۴) ماضی التزامی، ماضی استمراری، مضارع التزامی

۲. (انسانی ۹۷) در کدام بیت، جابه‌جایی ضمیر متصل وجود دارد؟

- ۱) ای آن که با اقبال تو در عالم نیست / گیرم که غمت نیست غم ما هم نیست؟
 ۲) دلم از صحبت شیراز به کلی بگرفت / وقت آن است که پرسی خبر از بغدادم
 ۳) نرگس مست نوازش کن مردم‌دارش / خون عاشق به قدح گر بخورد نوشش باد
 ۴) شدم آب، چون شمع و در خود فسرمد / که تصویر صبحی به منظر ندارم

۳. (تجربی ۹۷) در کدام گزینه همه گروه‌واژه‌ها دارای وابسته وابسته هستند؟

- ۱) ظرافت طبع سخنور، ماجرای کاملاً اتفاقی
 ۲) دو فرسخ راه نپیموده، غنچه‌های بی‌خار باغچه
 ۳) گوشه‌های لب پیرمرد، رفیق جهان‌دیده من
 ۴) معتبرترین فروشگاه زنجیره‌ای، نوجوان نسبتاً کوتاه‌قد

۴. (انسانی ۹۸) با توجه به بیت زیر، کدام موارد کاملاً درست است؟

- «گیرند مردم دوستان، نامهربان و مهربان / هر روز خاطر با یکی ما خود یکی داریم و بس»
 الف) در بیت دو «واو» عطف وجود دارد.
 ب) یک مسند در بیت وجود دارد.
 ج) در بیت یک نقش تبعی یافت می‌شود.
 د) در بیت یک صفت مبهم به چشم می‌خورد.
- ۱) الف، ب
 ۲) الف، ج
 ۳) ب، د
 ۴) ج، د

۵. (ریاضی ۹۸) در کدام بیت حذف فعل وجود ندارد؟

- ۱) گر بر وجود عاشق صادق نهند تیغ / گوید بکش که مال سبیل است و جان فدا
 ۲) تو چه ارمغانی آری که به دوستان فرستی / چه از این به ارمغانی که تو خویشتن بیایی
 ۳) گوش بر ناله بلبل کن و بلبل بگذار / تا نگوید سخن از سعدی شیرازی به
 ۴) هرگز آن دل بنمیرد که تو جانش باشی / نیکبخت آن که تو در هر دو جهانش باشی
۶. (تجربی ۹۸) در همه مصراع‌ها، «نهاد + مفعول + مسند + فعل» است، به جز ...

- ۱) درون فروماندگان شاد کن
 ۲) خداوند زر بر کند چشم دیو
 ۳) کرم خوانده‌ام سیرت سروان
 ۴) مژگان تو دل را هدف تیر ستم ساخت
۷. (هنر ۹۸) اگر بخواهیم نمودار وابسته وابسته را در مصراع‌های زیر ترسیم کنیم، کدام مورد متفاوت است؟

- ۱) باز آ و حلقه بر در رندان شوق زن
 ۲) شرط است احتمال جفاهای دشمنان
 ۳) معجزات پنج پیغمبر به رویش در پدید
 ۴) نرگس مست وی آزار دلم می‌طلبد

۸. (هنر ۹۸) با توجه به متن زیر، کدام گزینه غلط است؟

نوجوانی میان‌بالا با بر و بازویی خوش‌تراش و رعنا، سوار بر اسبی سینه‌فراخ پیشاپیش سپاه خود، دروازه‌های غربی تهران را با هیجان و شور بسیار به قصد تبریز پشت سر می‌گذاشت.

- ۱) در متن سه نقش تبعی (معطوف) آمده است.
 ۲) اجزای تشکیل‌دهنده عبارت، «نهاد + مفعول + فعل» است.
 ۳) حذف فعل به قرینه معنایی دوبار یافت می‌شود.
 ۴) نقش «سوار بر اسبی سینه‌فراخ» و «پیشاپیش سپاه خود» قیدی است.

۹. (ریاضی ۹۹) در کدام گروه واژه، رابطه معنایی واژه‌ها با سایر گروه‌ها، متفاوت است؟

- (۱) آسمان و ماه - دریا و ماهی - شعر و قصیده
 (۲) تفرق و برتری - عقده و گره - صواب و صلاح
 (۳) حیوان و چنگال - آشپزخانه و چاقو - رمضان و تشنگی
 (۴) خانواده و همسر - مدرسه و تخته سیاه - پادگان و سرباز
۱۰. (تجربی ۹۹) در کدام عبارت واژه‌ای یافت می‌شود که با از دست دادن معنای پیشین و پذیرفتن معنای جدید، به دوران بعد منتقل شده است؟

- (۱) مردی به طلب درزی آمد و خبر مرگ درزی نداشت.
 (۲) پس چون یک چند برآمد ملک روم خراج باز گرفت.
 (۳) صحرا را دریایی یافت در جوش و هوایی از بانگ اسبان با برگستوان.
 (۴) گروهی را گفت به دکان و بازار باشید و کار کنید و دبیران را گفت به دیوان نشینند.
۱۱. (انسانی ۹۹) در بیت زیر نقش واژه‌های مشخص شده به ترتیب، کدام است؟

گریه تلخ است چون گل حاصلش از زندگی / عمر خود هر کس که صرف شادمانی کرده است

- (۱) مسند - نهاد - مفعول - نهاد
 (۲) نهاد - متمم - نهاد - مسند
 (۳) مسند - متمم - مفعول - نهاد
 (۴) مسند - نهاد - مضاف‌الیه - بدل
۱۲. (انسانی ۹۹) اجزای تشکیل دهنده همه جمله‌ها در مقابل آن‌ها، کاملاً درست است؛ به جز ...

- (۱) دانشجویان تازه‌وارد با وضعیت کنونی خوابگاه کنار آمدند. (نهاد + متمم + فعل)
 (۲) از ابتدای برنامه، شور و هیجان خاصی در وجود معلم احساس می‌کردم. (نهاد + مفعول + فعل)
 (۳) این فضای معنوی را دوست پدرم از سالیان پیش، ترتیب داده بود. (نهاد + مفعول + مسند + فعل)
 (۴) در شرایط سخت و طاقت‌فرسای اسارت، همه چیز را مخفی می‌کردم. (نهاد + مفعول + مسند + فعل)

۱۳. (زبان ۹۹) نقش واژه‌های مشخص شده در بیت زیر، به ترتیب کدام است؟

«مکن ما ناقصان را یارب از سنگ محک رسوا / که این نه بوتۀ را کامل عیاری نیست غیر از تو»

- (۱) بدل - مسند - متمم - نهاد
 (۲) مفعول - مسند - متمم - نهاد
 (۳) بدل - قید - متمم - مسند
 (۴) مفعول - مسند - مفعول - مسند

۱۴. (زبان ۹۹) با توجه به بیت زیر، همه گزینه‌ها کاملاً درست است؛ به جز ...

«ستم از غمزه میاموز که در مذهب عشق / هر عمل اجری و هر کرده جزایی دارد»

- (۱) در بیت، یک نهاد و دو فعل به قرینه محذوف است.
 (۲) در بیت یک ترکیب اضافی و دو ترکیب وصفی یافت می‌شود.
 (۳) جمله اول از «نهاد + مفعول + متمم + فعل» تشکیل شده است.
 (۴) بیت از یک جمله غیر ساده تشکیل شده است و «که» حرف پیوند است.

۱۵. (انسانی ۱۴۰۰) صفت‌های «نسبی، مفعولی، لیاقت و فاعلی» به ترتیب، در کدام مصراع‌ها آمده است؟

(الف) یا سخن دانسته گو ای مرد عاقل یا خموش

(ب) پروا مکن، بشتاب، همت چاره‌ساز است

(ج) هر که فانی شد ز خود مردانه‌ای است

(د) در گره چون غنچه صد گلزار دارم دیدنی

- (۱) الف - ب - د - ج (۲) ج - الف - ب - د (۳) د - ب - ج - الف (۴) ج - الف - د - ب

۱۶. (انسانی ۱۴۰۰) با توجه به سروده زیر، کدام مورد نادرست است؟

«گریه کنی اگر که آفتاب را ندیده‌ای، ستاره‌ها را هم نمی‌بینی / ماهی در آب خاموش است و چارپا روی خاک هیاهو می‌کند و پرنده در آسمان آواز می‌خواند.»

- (۱) فعل مضارع اخباری و ماضی نقلی در شعر وجود دارد.
- (۲) پیوند وابسته‌ساز و هم‌پایه‌ساز در سروده یافت می‌شود.
- (۳) اجزای یکی از جمله‌ها، «نهاد + مفعول + مسند + فعل» است.
- (۴) سروده از یک جمله غیرساده و سه جمله ساده تشکیل شده است.

۱۷. (ریاضی ۱۴۰۰) نقش قسمت‌های مشخص شده به ترتیب کدام است؟

ای کعبه به داغ ماتمت نیلی‌پوش / وز تشنگی‌ات فرات در جوش و خروش
جز تو که فرات رشحه‌ای از یم توست / دریا نشنیدم که کشد مشک به دوش

- (۱) نهاد، مسند، مفعول
- (۲) نهاد، متمم، مسند، قید
- (۳) منادا، مسند، مضاف‌الیه، قید
- (۴) منادا، متمم، مسند، مفعول

۱۸. (ریاضی ۱۴۰۰) در کدام گزینه دو ترکیب وصفی و دو ترکیب اضافی وجود دارد؟

- (۱) عزم‌ت ضامن دوام جهان شد / که جهان با دروغ می‌باشد / و خون تو، معنای راستی است.
- (۲) آه! ای مرگ تو معیار! / مرگت چنان زندگی را به سخره گرفت / که مردنی چنان / غبطه بزرگ زندگانی شد.
- (۳) بگذار بر پشت زین خود معتبر بمانم / تو در کلبه و خیمه خود باز بمان / بگذار بر فراز سرم هیچ جز اختران نبینم.
- (۴) در گذرگه تاریخ ایستاده‌ای / با جامی از فرهنگ / و بشریت رهگذار را می‌آشامانی / هر عاشقی را که تشنه شهادت است.

۱۹. (ریاضی ۱۴۰۰) تعداد جمله‌های کدام بیت با بیت زیر یکسان است؟

«چو گفتمش که دلم را نگاه دار چه گفت / ز دست بنده چه خیزد خدا نگه دارد»

- (۱) گفتمش مهر فروغی به تو روزافزون است / گفت من هم به خلافتش دل پرکین دارم
 - (۲) قرار و خواب ز حافظ طمع مدار ای دوست / قرار چیست، صبوری کدام و خواب کجا
 - (۳) هرگز دلم برای کم و بیش غم نداشت / آری نداشت غم که غم بیش و کم نداشت
 - (۴) جانان من برخیز و بشنو بانگ چاووش / آنک امام ما علم بگرفته بر دوش
۲۰. (تجربی ۱۴۰۰) صفت‌های «فاعلی - مفعولی - نسبی - لیاقت» به ترتیب در کدام ابیات آمده است؟

(الف) خواستم از رنجش دوری بگویم یادم آمد / عشق با آزار خویشاوندی دیرینه دارد

(ب) جلوه کند چو قامتش زیر قبای زرفشان / ما و به جلوه‌گاه او جامه جان دریدنی

(ج) تا عهد تو دربستم عهد همه بشکستم / بعد از تو روا باشد نقض همه پیمان‌ها

(د) به عصیان سراپای آلوده‌ام / سراپا ز آلودگی پاک کن

- (۱) ب - ج - الف - د
- (۲) ب - د - ج - الف
- (۳) ج - الف - د - ب
- (۴) ج - د - الف - ب

۲۱. (انسانی ۱۴۰۱) «ان» در کدام واژه‌ها به ترتیب نشانه «صفت فاعلی، صفت نسبی، زمان و مکان» است؟

- (۱) خواران، پاییزان، بابکان و تابان
- (۲) رویان، ترکان، ناگهان و توران
- (۳) خندان، هرمزان، یخبندان و دیلمان
- (۴) هراسان، راه‌بندان، سیاووشان، چناران

۲۲. (انسانی ۱۴۰۱) با توجه به قلمرو زبانی، کدام مورد نادرست است؟

«حالا دل خوشی‌ام به این است که هر روز صبح با این یک پا و دو عصا به اینجا بیایم. گرد قاب عکستان را پاک کنم و سنگتان را بشویم و خاطراتم را با شما مرور بکنم.»

- (۱) در متن یک جمله مرکب و سه مفعول می‌توان یافت.
- (۲) صفت‌های «شمارشی، اشاره و مبهم» در متن وجود دارد.
- (۳) جمله «نهاد + مفعول + مسند + فعل» در عبارات فوق یافت می‌شود.
- (۴) ضمائر متصل در سه مورد نقش مضاف‌الیه و در یک مورد نقش مفعولی دارد.

۲۳. (تجربی ۱۴۰۱) نقش ضمیر «شَس» در کدام بیت متفاوت است؟

- (۱) حافظ از دولت عشق تو سلیمانی شد / یعنی از وصل تواش نیست به جز باد به دست
- (۲) کشته چاه زنخدان توام کز هر طرف / صد هزارش گردن جان زیر طوق غنغ است
- (۳) من ایستاده تا کنمش جان فدا چو شمع / او خود گذر به ما چون نسیم سحر نکرد
- (۴) مرا به کار جهان هرگز التفات نبود / رخ تو در نظر من چنین خوشش آراست

۲۴. (تجربی ۱۴۰۱) در متن زیر نقش واژه‌های مشخص شده به ترتیب کدام است؟

«تیرانا! اگرم هیچ در سرنوشت از آزادگی بهره‌ای باشد، همینم از آفریدگار، سپاس‌گزاری بس که بدین سعادت‌م رهنمون بود تا هرگز فریب آزاده‌مردم را از خویشتن بتی نسازم.»

- (۱) مضاف‌الیه، نهاد، مسند، متمم
- (۲) مضاف‌الیه، مسند، قید، مفعول
- (۳) نهاد، مسند، مفعول
- (۴) مضاف‌الیه، نهاد، قید، متمم

۲۵. (ریاضی ۱۴۰۱) در کدام بیت دو واژه وجود دارد که هم معنای قدیم را حفظ کرده و هم معنای جدید یافته‌اند؟

- (۱) ما سپر انداختیم گردن تسلیم پیش / گر بکشی حاکمی ور بدهی زینهار
- (۲) دیدی که خون ناحق پروانه شمع را / چندان امان نداد که شب را سحر کند
- (۳) چند چو پروانه پر انداختن / پیش چراغی سپر انداختن
- (۴) در عهد تو ای نگار دل‌بند / بس عهد که بشکنند و سوگند

۲۶. (ریاضی ۱۴۰۱) در کدام بیت وابسته و وابسته، صفت مفعولی است و نقش تبعی در آن بیت یافت می‌شود؟

- (۱) رسم عشاق جگرخسته نیاز است نیاز / خوی خوبان ستم‌پیشه عتاب است عتاب
- (۲) شاکرم شاکر اگر زهر پیایی بخشد / خوش‌دلم خوش‌دل اگر نیش دمام دارد
- (۳) چشم من دل‌سوخته سرچشمه خون شد / کاش آن رخ رخسند نه می‌دید و نه می‌خواست
- (۴) اهل نظر ز عارض و زلف تو کرده‌اند / تفسیر صبح روشن و شام سیاه را

۲۷. (فارسی دهم غم‌شهریور ۱۴۰۲) نقش ضمیرهای پیوسته بیت زیر، به ترتیب کدام است؟

مرا بار لطفش دو تا کرد پشت / به شمشیر احسان و فضلم بکشت

- (۱) مضاف‌الیه، مضاف‌الیه، مفعول
- (۲) مفعول، مضاف‌الیه، مفعول
- (۳) مفعول، مضاف‌الیه، مضاف‌الیه
- (۴) مضاف‌الیه، متمم، مسند

۲۸. (تألیفی) نقش دستوری واژه‌های مشخص شده در ابیات زیر به ترتیب کدامند؟

الف) به فرزندان و یاران گفت چنگیز / که گر فرزند باید، باید این‌سان

ب) فریدون چو گیتی بر آن گونه دید / جهان پیش ضحاک وارونه دید

ج) به پیش سپاه اندر آمد چو گرد / چو رعد خروشان یکی وپله کرد

۱) مسند - متمم - متمم (۲) مسند - مفعول - متمم (۳) قید - مفعول - نهاد (۴) قید - مفعول - متمم

۲۹. (تألیفی) با توجه به بیت «طوطی اندر گفت آمد آن زمان / بانگ بر درویش زد که هی، فلان»، به سؤالات زیر پاسخ

دهید.

الف) بیت چند جمله است؟

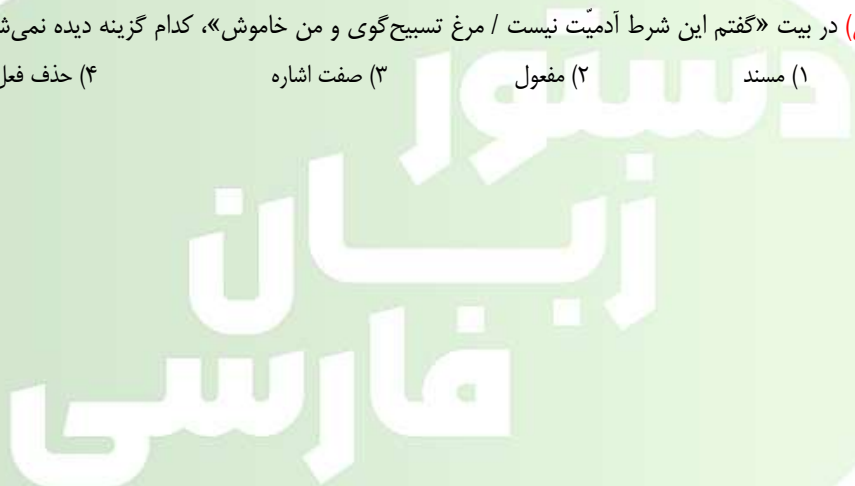
ب) چند حذف به قرینه معنایی صورت گرفته است؟

۱) جمله ۱ - حذف به قرینه معنایی (۲) جمله ۲ - حذف به قرینه معنایی

۳) جمله ۵ - حذف به قرینه معنایی (۴) جمله ۳ - حذف به قرینه معنایی

۳۰. (تألیفی) در بیت «گفتم این شرط آدمیت نیست / مرغ تسبیح‌گوی و من خاموش»، کدام گزینه دیده نمی‌شود؟

۱) مسند (۲) مفعول (۳) صفت اشاره (۴) حذف فعل



دستور زبان

پاسخ نامه

فارسی

جملات چهار جزئی

۱. عشق جاودانی همواره معشوق را جوان می‌بیند.
۲. گل و گیاه پشم گوسفندان را رنگین کرده است.
۳. ب
۴. الف و ۳ (نهاد + مسند + فعل ← عاشقان کشتگان معشوقند)
ب و ۱ (نهاد + مفعول + مسند + فعل ← برخی عاشق را دیوانه می‌پندارند).
۵. ب
۶. نادرست

کاربرد متمم با دو حرف اضافه

۱. کاربرد متمم با دو حرف اضافه (بر آن بر)

نقش‌های تبعی (بدل، معطوف و تکرار)

۱. معطوف: شهریاری
۲. پایتخت ایتالیا (بدل)
۳. باروهای دودخورده
۴. تکرار
۵. بلندترین کوه روی زمین (بدل)
۶. وادی طلب (بدل)
۷. قبای سوار (معطوف)
۸. بدل
۹. نادرست
۱۰. بدل
۱۱. الف) پرندگان (ب) شهریاری
۱۲. درست
۱۳. معطوف
۱۴. خاطرات (معطوف)
۱۵. بدل
۱۶. جملگی: بدل / دلباخته: معطوف
۱۷. بدل
۱۸. شاه کیانی (بدل)

ترتیب اجزای جمله در زبان فارسی (شیوه عادی و شیوه بلاغی)

۱. جامه‌ای کاو بهر وطن غرقه به خون نشود.
۲. ب
۳. هر یکی بر قدر خویش بینا شود
۴. چون زمین ز جور گردون، سرد و سیه و خموش و آوند گشت.
۵. یکی چوب صدتیغ جفا بر سر و تن دید تا تهی از خویش شد و نام‌اش نی نهادند.
۶. دو کوه هیزم بر دشت نهادند، جهانی هم‌گروه نظاره شده [بودند]
۷. غرق غبار و غربتیم، با من سمت باران بیا
۸. و پند در جهان زین خوش تر نباشد

گروه اسمی و ترکیب‌های وصفی و اضافی

۱. معلّم
 ۲. الف) درست (ب) نادرست
 ۳. اضافی
 ۴. اضافی
 ۵. داد دل - دل مردم
 ۶. نادرست
 ۷. قلب زمین
 ۸. این اساس - این نژاد (یا «این نژاد و پیوند»)
 ۹. صفت
 ۱۰. جان کاووس‌کی
 ۱۱. اضافی
 ۱۲. درست
 ۱۳. صفت شمارشی ترتیبی نوع دوم (عدد + م)
 ۱۴. زادسرو
 ۱۵. درست
 ۱۶. وابسته پیشین: این اسب (و هر پاسخ درست دیگر)
 ۱۷. اضافی: فرزند کاووس - رسم پهلوانی
 ۱۸. هر: صفت مبهم
 ۱۹. چه
 ۲۰. خون ضعیفان
- وابسته پسین: اسب نجیب (و هر پاسخ درست دیگر)
- وصفی: شاه کیانی
- ش: مضاف‌الیه

۲۱. ضربتی چند (ترکیب وصفی مقلوب)

۲۲. پند

۲۳. ترکیب وصفی: تاریک‌ترین لحظه‌ها ترکیب اضافی: عشق من - خنده تو

۲۴. ص

۲۵. غ

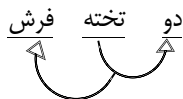
۲۶. والی را سرای (سرای والی) / خانه خمار

۲۷. وصفی: آب صاف / اضافی: جلوه آب

وابسته‌های وابسته

- | | |
|-------------------------------|--------------------------------|
| ۱. صفت مضاف‌الیه | ۲. الف) ممیز |
| ۳. تومان | ۴. مضاف‌الیه مضاف‌الیه |
| ۵. الف) صفت مضاف‌الیه | ۶. الف) مضاف‌الیه مضاف‌الیه |
| ۷. نادرست | ۸. دوچین |
| ۹. بسیار: قید صفت / سطر: ممیز | ۱۰. الف) ممیز |
| ۱۱. الف) صفت مضاف‌الیه | ۱۲. الف) صفت مضاف‌الیه |
| ۱۳. الف) ممیز | ۱۴. ایران: مضاف‌الیه مضاف‌الیه |
| ۱۵. الف) ممیز | ۱۶. الف) قید صفت |
| ۱۷. ممیز | ۱۸. مضاف‌الیه مضاف‌الیه |
| ۱۹. ممیز | |
- ب) قید صفت
- ب) ممیز
- ب) صفت مضاف‌الیه
- ب) صفت مضاف‌الیه
- ب) قید صفت
- ب) ممیز
- ب) صفت مضاف‌الیه
- تومان: ممیز
- ب) صفت صفت
- ب) ممیز
- د) مضاف‌الیه مضاف‌الیه

دو تخته فرش



۲۰. الف) محرم این هوش

(ب) صفت مضاف‌الیه

۲۱. الف) صفت مضاف‌الیه

(ب)

خواندن این مطلب

۲۲. مصراع چهارم (بس که زهر زخم‌ها کاریش)

۲۳. کاروان

۲۴. الف) قید صفت

(ب) تخلصی بس به‌جا

۲۵. ج

۲۶. نگاه‌های مردم آسفالت‌نشین (صفت مضاف‌الیه)

۲۷. خط بسیار روشن (قید صفت)

ضمایر پیوسته و مرجع ضمیر

۱. مضاف‌الیه

۲. مضاف‌الیه

۳. گل

۴. هیچ‌کس

۵. الف) مضاف‌الیه

۶. مفعول

۷. شما

۸. الف) مفعول

۹. مفعول

۱۰. مضاف‌الیه

(ب) متمم

(ب) شما

انواع حذف

۱. الف) فعل «است»

(ب) حذف به قرینه لفظی

۲. الف) حذف به قرینه معنایی

(ب) حذف به قرینه لفظی

۳. فعل «نگیر» در پایان عبارت

۴. الف) حذف فعل «مانده‌است» به قرینه لفظی
 ۵. الف) فعل «هستند» در پایان مصراع اول
 ۶. فعل «است» به قرینه لفظی
 ۷. فعل «می‌کند» به قرینه لفظی
 ۸. حذف فعل به قرینه لفظی
 ۹. فعل «است» به قرینه معنایی
 ۱۰. حذف فعل «داری» به قرینه معنایی
 ۱۱. الف) حذف به قرینه لفظی
 ۱۲. حذف به قرینه معنایی
 ۱۳. ب
 ۱۴. قرینه لفظی
 ۱۵. الف) لفظی (ب) معنایی

واو عطف و ربط

(ب) ربط

۱. الف) عطف
 ۲. مصراع دوم
 ۳. عطف
 ۴. عطف
 ۵. ربط
 ۶. ربط
 ۷. عطف
 ۸. الف

جملات ساده و مرکب / جمله هسته (پایه) و جمله وابسته (پیرو) / پیوندهای هم‌پایه‌ساز و وابسته‌ساز

۱. پیوند هم‌پایه‌ساز
 ۲. امّا
 ۳. یا: پیوند هم‌پایه‌ساز
 ۴. امّا
 ۵. پیوند وابسته‌ساز: که / پیوند هم‌پایه‌ساز: و / جمله وابسته: که خداوند آن را سر حدّ دنیای خلقت قرار داده است.
 ۶. الف) اگر امروز بیشتر از این به ما بخورائید.
 ب) که درزی ازل به قامت زیبایی جناب ایشان دوخته بود.
 ۷. امّا
 ۸. این‌گونه است
 ۹. پیوند وابسته‌ساز: که
 پیوند هم‌پایه‌ساز: امّا

۱۰. که
۱۱. جمله هسته (پایه): خودت بهتر می‌دانی / جمله وابسته (پیرو): که در این شب عیدی مالیه از چه قرار است
۱۲. ج
۱۳. پیوند وابسته‌ساز: تا / که پیوند هم‌پایه‌ساز: و
۱۴. جمله هسته (پایه): من بعد از خواندن این مطلب متوجه شدم / جمله وابسته (پیرو): که دنیا عجیب فراموشکار است
۱۵. که
۱۶. جمله هسته (پایه): به آن کس می‌رسد زین گنج بسیار / جمله وابسته (پیرو): که باشد شادمانی را سزاوار
۱۷. الف) نادرست ب) درست
۱۸. که حرفتان را بشنوم
۱۹. تا ساروان هیون آرد از دشت صد کاروان
۲۰. بوی گلم چنان مست کرد
۲۱. یا
۲۲. ج

تعداد جملات

۱. سه
۲. هفت

زمان افعال

۱. مضارع التزامی
۲. مضارع اخباری / ماضی نقلی
۳. ماضی نقلی
۴. ماضی نقلی
۵. درست
۶. می‌گنجد
۷. ماضی نقلی
۸. بروم
۹. گرفته‌ایم
۱۰. مضارع اخباری
۱۱. ماضی نقلی
۱۲. داشتم می‌گفتم
۱۳. مضارع التزامی
۱۴. پ
۱۵. نادرست

انواع «را»

۱. فک اضافه
۲. حرف اضافه
۳. الف

پسوند «ان»

- | | |
|------------------------------------------------------------------------------|--------------------|
| ۱. الف) منسوب به بابک (نسبت) | ب) نشانه صفت فاعلی |
| ۲. الف) مکان | ب) شباهت |
| ۳. ج) خاوران / «ان» در سایر گزینه‌ها نشانه زمان و در گزینه ج نشانه مکان است. | |
| ۴. ج) گریزان | |
| ۵. زمان | |
| ۶. ب | |
| ۷. الف) شباهت | ب) نسبت |
| ۸. الف) شباهت | ب) فاعلی |
| ۹. الف) مکان | ب) فاعلی |
| ۱۰. فاعلی | |
| ۱۱. نادرست | |
| ۱۲. نادرست | |
| ۱۳. جمع | |
| ۱۴. الف) فاعلی | ب) نسبت |
| ۱۵. الف) نسبت | ب) زمان |

واژه‌های دوتلفظی

۱. آسمان

روابط معنایی چهارگانه (ترادف، تضاد، تناسب و تضمین)

۱. ترادف
۲. تزویر
۳. اندیشه
۴. اورنگ

واژه‌های هم‌آوا

- | | | |
|------------------|--------|-----------|
| ۱. هول | | |
| ۲. الف (غدر) | (ب) ظن | (ج) عمارت |
| ۳. بهر - صد | | |
| ۴. اساس | | |
| ۵. قربت (نزدیکی) | | |

تفاوت معنایی افعال / افعال اسنادی و غیراسنادی

- | | | |
|-----------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|-------------------------|--|
| ۱. است | | |
| ۲. نادرست | | |
| ۳. او در مراغه رصدخانه‌ای بزرگ ساخت. / آن نامدار، لشگری عظیم ساخت. / استاد موسیقی، آهنگ زیبایی ساخت. / او با ناملایمات زندگی ساخت. (یا هر پاسخ درست دیگر) | | |
| ۴. الف) سپری شد | (ب) صرف نظر کرد (بخشید) | |
| ۵. شویم: برویم | نیست: وجود ندارد | |
| ۶. د | | |
| ۷. «نیست» در مصراع اول فعل اسنادی و در مصراع دوم، غیراسنادی است. | | |
| ۸. نادرست | | |
| ۹. الف) فعل اسنادی | (ب) فعل غیراسنادی | |
| ۱۰. درست | | |
| ۱۱. الف) فعل غیراسنادی | (ب) فعل اسنادی | |
| ۱۲. الف) آغاز کرد | (ب) اخذ کرد | |
| ۱۳. الف) نوازش و محبت | (ب) ضربه زدن | |
| ۱۴. ب | | |
| ۱۵. «بسازند» اول: درست کنند، احداث کنند / «بسازند» دوم: سازگاری کنند، مدارا کنند | | |

تحول معنایی واژه‌ها

- | | |
|----------------------|---------------------------------|
| ۱. ب | |
| ۲. الف) اراده و تلاش | (ب) یاری خواستن یا طلب دعای خیر |
| ۳. الف) وزیر (مشاور) | (ب) اجازه |
| ۴. ج | |

پاسخ نامه کلیدی سؤالات چهار گزینه‌ای

پرسش	پاسخ	پرسش	پاسخ	پرسش	پاسخ
۱	۴	۱۱	۱	۲۱	۳
۲	۲	۱۲	۳	۲۲	۳
۳	۱	۱۳	۱	۲۳	۴
۴	۳	۱۴	۱	۲۴	۱
۵	۳	۱۵	۴	۲۵	۳
۶	۲	۱۶	۳	۲۶	۱
۷	۳	۱۷	۱	۲۷	۱
۸	۳	۱۸	۴	۲۸	۲
۹	۲	۱۹	۲	۲۹	۲
۱۰	۴	۲۰	۴	۳۰	۳

پیوست

دستور زبان
زبان فارسی

مروری بر ضمائر متصل، نقش دستوری آن‌ها در جمله و جهش ضمیر

در دورهٔ متوسطهٔ اول خواندیم که ضمیر کلمه‌ای است که جایگزین اسم می‌شود و برای پرهیز از تکرار آن در جمله می‌آید. نمونه‌های زیر را ببینید:

الف) محمد کلاس دهم است. دوستان محمد، محمد را دوست دارند.
ب) محمد کلاس دهم است. دوستانش، او را دوست دارند.

همان‌طور که مشاهده کردید، در نمونهٔ الف، کلمهٔ «محمد» سه‌بار تکرار شده است اما در نمونهٔ ب، برای پرهیز از این تکرار، «ش» و «او» به کار رفته است.

حال که با مفهوم و کاربرد ضمیر آشنا شدیم، انواع آن را بررسی می‌کنیم:

الف) ضمیر منفصل (گسسته / جدا)

جمع	مفرد	
اول شخص (گوینده)	من	ما
دوم شخص (شنونده)	تو	شما
سوم شخص (شخص غیرحاضر)	او	ایشان

کتاب من	کتاب ما
کتاب تو	کتاب شما
کتاب او	کتاب ایشان

ب) ضمیر متصل (پیوسته)

جمع	مفرد	
اول شخص (گوینده)	م	مان
دوم شخص (شنونده)	ت	تان
سوم شخص (شخص غیرحاضر)	ش	شان

کتابم	کتابمان
کتابت	کتابتان
کتابش	کتابشان

* ضمیر جدا همیشه می‌تواند جایگزین اسم شود اما ضمیر پیوسته - همان‌طور که از نامش پیداست - تنها زمانی جایگزین اسم می‌شود که کلمه‌ای قبل از آن، وجود داشته باشد. برای تبیین موضوع، نمونهٔ زیر را مشاهده کنید:

- محمد کلاس دهم است. دوستانش، ش را دوست دارند.

در عبارت بالا، ضمیر «ش» دو مرتبه جایگزین اسم «محمد» شده‌است در حالی که می‌دانیم به کار بردن مورد دوم نادرست است؛ زیرا ضمیر متصل، همیشه به واژهٔ قبل از خود می‌چسبد.

* **ضمایر پیوسته را با شناسه‌های فعل اشتباه نگیریم!** شناسه‌های فعل، نمایان‌گر نهاد جمله هستند.

گفت: در این معرکه یکتا منم / تاج سر گلبن و صحرا منم (شناسهٔ فعل)

[ما] در تعطیلات نوروز، درسمان را خواندیم.

ضمیر متصل شناسه

ضمایر متصل:

مَـ	مَـ
تَـ	تَـ
شَـ	شَـ

شناسه‌ها:

مَـ	یم
ی	ید
∅ / دَـ	ند

* ضمایر هم نقش‌های دستوری مختلفی را در جمله می‌پذیرند. (مفعول / متمم / مضاف الیه)

- محمد کلاس دهم است. دوستانش، او را دوست دارند.

مضاف الیه مفعول

حال که با ضمیر و انواع آن آشنا شدیم، جایگاه ضمایر متصل را در جمله مورد بررسی قرار می‌دهیم.

الف) گاهی اوقات، ضمایر پیوسته در جایگاه خود و بدون هیچ‌گونه جابه‌جایی ذکر می‌شوند. برای مشخص کردن نقش این ضمایر باید آن‌ها را به ضمیر منفصل معادلشان تبدیل کرد.

مَـ ← من مَـ مان ← ما

تَـ ← تو تَـ تان ← شما

شَـ ← او شَـ شان ← ایشان

- داده تنش بر تن ساحل یله ← تن او (مضاف الیه)

- شفق آینه دار نجابت ← نجابت تو (مضاف الیه)

- بر تیر جور تان ز تحمل سپر کنیم ← جور شما (مضاف الیه)

- گویند مگو سعدی چندین سخن از عشقش ← عشق او (مضاف الیه)

- خدایش در همه حال از بلا نکه دارد ← خدا او را نکه دارد (مفعول)

- ناگهانیش یافتم با دل نشسته روبه‌رو ← ناگهان او را یافتم (مفعول)

* در محاوره، داستان و نمایشنامه‌ها، گاهی ضمایر متصل به حروف اضافه می‌چسبند. این امر در زبان رسمی، مرسوم نیست.

بهت گفتم ← به تو (متمم) ازش گرفتم ← از او (متمم)

ب) گاهی اوقات ضمایر پیوسته در جایگاه خود نیستند و جابه‌جا شده‌اند. این جابه‌جایی را **جهش (پرش/رقص)** ضمیر می‌گویند. برای مشخص کردن نقش دستوری این‌گونه ضمایر باید آن‌ها را به ضمیر منفصل معادلشان تبدیل کنیم.

- ای صبحدم ببین که کجا می فرستم ← تو را می فرستم

مفعول

- ز روی لطف بگوش که جا نکه دارد ← به او بگو

متمم

- چو گفتمش که دلم را نگاه دار، چه گفت؟ ← به او گفتم

متمم

- گرت هواست که معشوق نگسلد پیمان ← هوای تو

مضاف الیه

یادآوری ۱

کلماتی که بعد از حروف اضافه می‌آیند، متمم هستند. پرکاربردترین حروف اضافه عبارتند از: به، از، برای، در، بهر، درباره و

منظور از افعال گذرا به متمم، فعل‌هایی است که وقتی آن‌ها را به صورت مصدر به کار می‌بریم، حرف اضافه خاص خود را می‌طلبند.

مثلاً فعل «ترسید» را در نظر بگیرید. مصدر آن، «ترسیدن» است و حرف اضافه مخصوصش، «از». چند نمونه:

ترسیدن از / جنگیدن با / نازیدن به / پیوستن به / گنجیدن در

توضیح بالا در مورد متمم فعلی (اجباری) است؛ یعنی متممی که بدون آن، جمله ناقص می‌شود. مثال:

- مهدی طارمی به تیم پورتو پیوست.

حال متمم قیدی را با هم مرور می‌کنیم؛

یعنی متممی که فعل جمله به آن نیاز ندارد و آوردنش اختیاری است.

- مهدی طارمی برای عقد قرارداد از ایران به پرتغال رفت.

در جمله بالا، دو متمم وجود دارد که هر دو قابل حذف هستند. زیرا مصدر «رفتن» حرف اضافه مخصوصی ندارد.

نوع دیگری از متمم با نام متمم اسمی نیز وجود دارد که اگرچه وجودش برای اسم ضروری است اما فعل به آن نیاز ندارد.

- من علاقه به مطالعه دارم. (علاقه به ...)

یادآوری ۲

مفعول کلمه‌ای است که در جواب «چه چیز را ...؟ / چه کس را ...؟» می‌آید. گاهی همراه نشانه «را» و گاه بدون آن.

- علی غذا خورد.

- علی غذا را خورد.

فعلی که به مفعول نیاز دارد، گذرا به مفعول می‌نامند.

* یک روش کاربردی برای این که بدانیم، ضمیر پیوسته در جایگاه اصلی خود به کار رفته است یا خیر:

- اگر ضمیر به غیر فعل (اسم / حرف) اضافه شده بود، قبل از ضمیر، (کسره) می‌آوریم. اگر معنای عبارت منطقی بود،

ضمیر در جایگاه خودش آمده و اگر معنای غیر منطقی داشت، جهش ضمیر، روی داده است.

- ای که دستت می‌رسد کاری بکن ← ای که دست تو می‌رسد (منطقی است)

- خدایا ز عفو مکن ناامید ← خدایا ز عفو من، ناامیدم مکن (منطقی نیست پس جهش ضمیر داریم ← خدایا ز عفو، من

را ناامید مکن)

جمع بندی

در زبان معیار امروز، ضمائر پیوسته مضاف‌الیه کلمه‌ای هستند که به آن متصل شده‌اند.

اگر ضمیر حالتی غیر از این داشته باشد (یعنی نقش متمم یا مفعول بگیرد و یا مضاف‌الیه باشد اما مضاف‌الیه کلمه‌ای که

به آن چسبیده است، نباشد) گفته می‌شود جهش ضمیر (پرش ضمیر) داریم یا جابه‌جایی ضمیر متصل رخ داده است.

پایان

دیباچه انشاء الله بعد از هر نوبت امتحان نهایی به روزرسانی می شود. برای دریافت نسخه ی جدیدتر آن یا ارائه انتقاد و پیشنهاد، از طریق **پیام رسان ایتا** با من در ارتباط باشید. همچنین می توانید در کانال تلگرامی **” فنون و فارسی محسن برزوک “** عضو شوید و از محتوای آموزشی آن استفاده کنید.

محسن برزوک

دبیر زبان و ادبیات فارسی شهرستان شهرضا



کانال تلگرام



پیام رسان ایتا



طراح اثر: یاسین ناظم